

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

سال اول - شماره ۸

جمعه ۳۱ خرداد ۱۳۸۷

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- گلاویز در آتش سرمایه و زن ستیزی ص ۲
- تداوم مبارزات کارگران هفت تپه در گرو ابتکار عمل تازه ص ۳
- اخراج کارگران «آذرقاف» به جرم اعتراض ص ۴
- ۸ ماه کار بدون دستمزد در کشت و صنعت خاش ص ۴
- بستن اتوبان اهواز - اندیمشک توسط کارگران هفت تپه برای باردوم ص ۴
- تظاهرات کارگران فرانسه علیه افزایش ساعات کار و سن بازنشستگی ص ۴
- بیکاری کارگران تولید لباس به دلیل بالا رفتن بهای پارچه! ص ۵
- عدم پرداخت دستمزد کارگران در شرکت ساختمانی ماد ص ۵
- بستن جاده اهواز - اندیمشک توسط کارگران هفت تپه ص ۵
- رهایی دو کارگر از کشتار هنگام کار ص ۵
- ۲۰۰۰ کارگر «بندر امام» تهدید به اخراج می شوند ص ۶
- ۱۰ میلیون کودک در پاکستان کار می کنند ص ۶
- عدم تمایل به بازنشستگی در میان کارگران انگلیسی ص ۶
- تظاهرات بزرگ خانواده های کارگران هفت تپه ص ۷
- در کارخانه «بافت حریر» باکارگران چه می کنند؟ ص ۷
- موج جدید اعتراض کارگران صنایع مخابراتی راه دور ص ۷
- کشتار مستمر کارگران توسط سرمایه در بخش ساختمان ص ۷
- گسترش اعتصابات کارگری در کره جنوبی ص ۸
- پیروزی کارگران مه نخ، فرنخ و کوره پزخانه های شبستر ص ۸
- سرمایه کارگر اصفهانی را زیر آوار تونل مترو دفن کرد ص ۸
- اعتصاب کارگران در معدن «چپروک» ص ۹
- حمله وحشیانه نیروی سرکوب سرمایه به کارگران کوره های ارومیه ص ۹
- اعتراض وسیع کارگران سنگان و قتل یک کارگر در حین کار ص ۱۰
- فریاد اعتراض بازماندگان کارگران کشته شده در آتش سرمایه ص ۱۰
- تعویق سه ماهه حقوق کارگران در «نوشابه گازدار» سفر ص ۱۰
- اعتصاب کارگران صنایع کشتی سازی ترکیه علیه کشتار کارگران حین کار ص ۱۱
- اعتصاب کارگران راه آهن انگلیس در اعتراض به کمی دستمزد و شرایط کار ص ۱۱
- قتل دو کارگر مصری توسط سرمایه در محیط کار و در ایتالیا ص ۱۱
- قتل ۱۹ کارگر چینی در حین کار توسط سرمایه ص ۱۱
- اعتصاب رانندگان کامیون در کره جنوبی گسترش می یابد ص ۱۲
- کارخانه «آرین حریر» قم و بربرمنشی علیه کارگران زن ص ۱۲
- خطر اخراج کارگران «ایران صدرا» جدی است ص ۱۲
- اعتراض کارگران نانوا به نازل بودن دستمزدها ص ۱۲
- تشدید فشار و پیگرد پلیسی علیه کارگران ارومیه ص ۱۳
- مبارزه کارگران نورد و پروفیل علیه بیکارسازی ها ص ۱۳
- چهار ماه تعویق دستمزد در پریس سنج ص ۱۳
- کارخانه آونگان و بیکاری ۷۰۰ کارگر ص ۱۴
- نجات تصادفی یک کارگر مدفون ص ۱۴
- قتل کارگر ساختمانی توسط سرمایه ص ۱۴
- تظاهرات بزرگ کارگران بلژیک علیه تنزل امکانات زندگی ص ۱۴
- اعتصاب رانندگان کامیون در انگلیس ص ۱۵
- اعتصاب رانندگان کره جنوبی و اختلال سیستم حمل و نقل سرمایه ص ۱۵
- عقب نشینی دولت اسپانیا در مقابل موج مبارزات کارگران ص ۱۵
- افزایش بهای سوخت و اخراج کارگران ص ۱۶
- سه میلیون کودک یمنی و کلمبیایی در بازار کار سرمایه ص ۱۶
- کشتار کارگران در انفجار معدن در چین ص ۱۶
- گزارشی از کارخانه ریسندگی خاور ص ۱۶
- گزارشی از کارخانه بافندگی فومانت ص ۱۷
- تصویب ساعات کار در اتحادیه اروپا در غیاب طبقه کارگر ص ۱۷

نشر مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید. صفحه ۱۸

گلاویز در آتش سرمایه و زن ستیزی

مربوط به آن را پوشش می دهند. چرا نباید از حق پایمال شده گلاویز نیز چنین دفاعی صورت گیرد؟ روزانه صد ها کارگر بر اثر سوانح ناشی از کار جان خود را از دست می دهند یا دچار انواع معلولیت ها می شوند. زیر پرس له می شوند یا دچار نقص عضو می گردند. زیر آوارهای معادن زنده به گور می شوند. از ساختمان های در حال ساخت و از روی داربست ها سقوط می کنند. بعد از ماه ها بی کاری و ناامیدی از یافتن کار، پس از ماه ها عقب افتادن و پرداخت نشدن دستمزد خود از گرسنگی و ناامیدی خود را دار می زنند، زن و بچه و عزیز ترین کسان خود را می کشند تا آن ها را گرسنه یا در منجلاب دزدی و تن فروشی نبینند. روزنامه ها و نهاد ها و سازمان های حقوق بشری و برندگان جوایز صلح نوبل چه عکس العملی در مقابل این همه جنایت نشان می دهند؟ گویی حقوق کارگر حقوق بشر نیست یا کارگر اصولا بشر نیست.

بی تردید ابراهیم الیاسی باید محاکمه و مجازات شود و به سزای عمل ننگین و انسان سوز خود برسد. در این هیچ تردیدی نیست که پدر گلاویز باید از این لکه ننگ بشریت شکایت کند و وکلای شریف و انسان دوست نیز باید بدون هیچ چشمداشتی وکالت این پرونده را به عهده بگیرند. اما قاتل گلاویز نه تنها الیاسی سرمایه دار، بلکه کل نظام انسان سوز سرمایه داری است. اگر او مجبور نبود برای گذران زندگی نیروی کارش را بفروشد به چنین سرنوشتی دچار نمی شده ها هزار مرد و زن و پیر و جوان و دخترانی همچون گلاویز به صورت خانوادگی روزانه تا ۱۷ ساعت در بدترین شرایط کاری در کوره پزخانه ها کار می کنند. بچه ها از کودکی همراه پدر و مادر خود به کار کشیده می شوند و شیر جان آن ها را سرمایه داران زالو صفتی مثل ابراهیم الیاسی می مکند و خون آنان را به شیشه می کشند تا آنان با نان بخور و نمیری به کار روزانه برای افزایش هرچه بیشتر سود و سرمایه این سرمایه داران ادامه دهند. محیط زندگی این خانواده ها آلودگی های تنگ و تاریک و نمور در محیطی کثیف و آلوده در کنار همان کوره های آجرپزی است. بچه های آنان رنگ بازی و تفریح و آموزش و ورزش و محیط سالم را نمی بینند. در گل و خاک محیط کوره پزخانه و با کار سنگین حمل خاک و آجر و خشت زنی و آجرپزی بزرگ می شوند. دختر و به طور کلی زن بودن به ویژه اگر این زن، زیبا هم باشد عامل دیگری افزون بر تمام عوامل آسیب زای این محیط های کارگری است. گلاویز یکی از آن هزاران دختری بود که در چنین محیطی کودکی خود را گذرانده بود و حالا شاخه گل سرخی بود که با تمام جوانی و طراوت و زیبایی اش از میان آتش کوره ها و تپه های خاک و توده های گل سر بر آورده بود، با چشمانی مالا مال از آرزو و درخشان از فروغ امید به آینده. این غنچه نشکفته را اکنون سرمایه پرپر کرده است. اولیای دم واقعی گلاویز کارگرانند و آن که باید به کیفر برسد نه تنها زالوهای چون ابراهیم الیاسی بلکه کل طبقه سرمایه دار و دولت اوست. بی هیچ تردیدی، قاتل اصلی گلاویز رابطه اجتماعی سرمایه است. تاکید بر سرمایه به عنوان قاتل اصلی گلاویز از آن رو ضروری است که سرمایه و دولت نماینده و مدافع آن معمولاً افرادی چون الیاسی، این هیولای زالو صفت، را قربانی می کنند تا خود را به عنوان عامل اصلی از دیده ها پنهان کنند. گلاویز برای گذران زندگی اش چاره ای جز فروش نیروی کارش نداشت. سرمایه داری که نیروی کار کارگران را با کمترین حقوق و مزایایی و در قبال نان بخور و نمیری می خرد، با آنان از زن و مرد و بزرگ و کوچک چون غلام زرخیز رفتار می کند. او خود را نه تنها صاحب نیروی کار آنان بلکه صاحب جان و تن آنان می داند. سرمایه داری که همه ارزش اضافی و ثروت خویش را از نیروی کار کارگر بیرون می کشد، برای زندگی کارگر، برای تمایلات، نیازها، آرزوها و احساسات انسانی او ذره ای ارزش قائل نیست و او را تنها وسیله کسب سود می داند. پس چرا نباید انتظار داشت که به زن کارگر به خصوص اگر جوان و زیبا هم باشد در عین

صفحه حوادث روزنامه ها را که ورق می زنی، هر روز خبری از خودکشی زنان و دختران خشونت دیده یا قتل های ناموسی در اینجا و آنجا می شنوی. پدرها و پدربزرگ ها، برادرها، شوهرها، عموها و پسر عموها دختران و زنان و عزیزترین کسان خود را می کشند و قربانیان تسلیم سرنوشت شوم و حکم بی رحمانه و ظالمانه سنت زن ستیز سر بر قربانگاه می گذارند تا آبروی خانواده و خاندان و طایفه خود را حفظ کنند. همین چندی پیش بود که در اصفهان دختری هفده ساله به نام فرزانه که توسط داماد خانواده ربوده شده و در مدت ده روزی که در اسارت او بوده مورد تجاوز او قرار گرفته بود، پس از آزادی به دست پدر خود به قتل رسید. پدر که در بازجویی ها قتل دخترش را پذیرفت، حفظ آبروی خانوادگی را انگیزه فرزندکشی اعلام کرد و گفت "به دخترم گفتم یا باید خودم را بکشم یا تو را قربانی کنم و دختر پاکدامن پذیرفت بمیرد، اما ذلت مرا نبیند." این در حالی بوده که خانواده دختر در مدت ده روزی که دخترشان ربوده شده و در اسارت بوده برای حفظ آبروی خانواده موضوع را به پلیس اطلاع نداده و هیچ شکایت و پیگیری قانونی نکرده اند (روزنامه کارگزاران، ۲۱ و ۲۳ اردیبهشت ۸۷). چه بسیار مواردی دیده شده که زنان و دختران مورد تجاوز قرار گرفته، تحقیر شده و در هم شکسته خود را می کشند زیرا هیچ پشت و پناهی ندارند. زیرا هیچ کسی یا هیچ مرجعی نیست که از چنین دختر یا زن آسیب دیده ای دفاع کند و بر جسم و جان زخم خورده او مرحم بگذارد. خود را می کشند تا به دست پدر، شوهر یا برادران خود سلاخی نشوند. خود را می کشند تا آبروی خانواده و طایفه حفظ شود، تا مردانشان سر خود را بالا نگه دارند. و البته به نظر می رسد که با خودکشی زن همه راحت ترند. مرد متجاوز و عامل خشونت از ادانه می گردد و چه بسا که با از بین رفتن قربانی، مرد متجاوز هرگز شناخته نشود و به جزای عمل ننگینش نرسد. پدر و پدر بزرگ و برادر و شوهر و خاندان و خانواده و دولت نیز همه از پی گیری این جنایت خلاص می شوند یا به کلی بر آن سرپوش می گذارند و این ننگ از دامن همه پاک می شود.

و چنین بود که خبر خودسوزی و مرگ گلاویز به جز یکی دو سایت اینترنتی در هیچ جای دیگری منعکس و منتشر نشد و همان نیز به سرعت در میان صدها خبر "مهم تر" دیگر گم شد و فراموش شد و تمام شد و رفت. گلاویز سلطان نیا دختر کارگر نوزده ساله، که همراه پدر و خواهرش در کوره آجرپزی در همدان کار می کرد، در غیاب پدرش که به سفر رفته بود مورد انیت و آزار جنسی ابراهیم الیاسی صاحب کوره پزخانه قرار گرفت و برای فرار از تجاوز این هیولای سرمایه داری خود را به آتش کشید و جان سپرد. همین. این تنها خبری بود که درباره این حادثه دهشتناک و جانخوارش منتشر شد. اما آیا واقعاً هیچ کس لحظه ای به زندگی این دختر جوان فکر نکرد که چگونه پرپر شد و از دست رفت؟ هیچ کس به این فکر نکرد که چه بر سر این دختر آمده بود که در اوج جوانی و زیبایی در حالی که پر از آرزو و امید به آینده بود، چنان در هم شکسته، درمانده و تنها و بی دفاع مانده بود که تصمیم گرفت اندام نازک خود را به آتش بکشد؟ چرا مرگ رقت انگیز گلاویز هیچ دلی را به درد نیاورد و هیچ قلبی را جریحه دار نکرد؟ چرا هیچ کس به پیگیری موضوع برای به مجازات رساندن عامل این جنایت برنیامد؟ الیاسی سرمایه دار، عامل این جنایت راست راست می گردد و همچنان از حاصل کار و زحمت گلاویز ها جیبش را پر می کند و آب از آب تکان نمی خورد. چرا نباید افراد و سازمان های مدافع حقوق بشر همان طور که در مورد قتل یا خودکشی دکتر جوان زهرا بنی یعقوب عکس العمل نشان دادند و در پی دفاع از او برآمدند، در مورد مرگ گلاویز نیز عکس العمل نشان دهند؟ خام شیرین عبادی حقوق دان و برنده جایزه صلح نوبل وکالت خانواده او را به عهده گرفت. ده ها سازمان و نهاد داخلی و خارجی و مدافعان حقوق بشر موضوع او را پیگیری می کنند و ده ها رسانه داخلی و خارجی اخبار

پزشخانه ها پیوسته اند. اکنون هزاران کارگر اعتصابی همراه خانواده هایشان سهم خود را از ثروتی که از خاک و گل نصیب سرمایه داران و صاحبان کوره پزشکی ها کرده اند طلب می کنند. بی شک صد ها نوگل نوزده ساله چون گلاویژ در میان آنان است. چه بسا بسیاری از آنان طعم تلخ و گزنده آزارهای امثال الیاسی خونخوار را چشیده اند و از آن در امان نمانده اند. آنان در میان دیگر همزنجیران خود سهم خود را از زندگی، از رفاه و آسایش، از تفریح و شادی و بالندگی و از ثروتی که خود تولید کرده اند طلب می کنند. آنان بغض فروخورده گلاویژ را فریاد می کنند. حق خود را از حلقوم سرمایه داران زانو صفتی چون الیاسی ها بیرون می کشند و آنان را وادار می کنند در مقابل شرف و آبروی کارگران از زن و دختر و مرد و پیر و جوان و کودک سر تعظیم فرود آورند. این است آنچه کارگران به نیروی خود می کنند.

منیژه گازرانی

۱۳۸۷/۳/۲۵

حال به عنوان وسیله کسب لذت نگاه نکنند؟ من خود بارها شاهد این تحقیر بوده ام و خود این رنج را چشیده ام که کارفرما به زن کارگر با چه تحقیری می گفت زنی که کار می کند مردش غیرت ندارد. و بی تردید فکر می کند که با زن و دختر این مرد که برای امرار معاش به خدمت او درآمده اند هر کاری می تواند بکند. زنان کارگر همواره مورد تهدید صاحب کار و کارفرمای خود بوده اند و بشمار است مواردی که زنان و دختران کارگر مورد اذیت و آزار جنسی و تجاوز صاحب کاران خود قرار گرفته اند. و گلاویژ یکی از آن هزاران دختری بود که در چنین شرایطی کار می کنند. از این رو، کیفرخواست طبقه کارگر از جمله باید محاکمه آن فرهنگ زن ستیز و انسان کشی را طلب کند که امثال گلاویژ را برای گریز از ننگ بی آبرویی به خودکشی وامی دارد.

اما اکنون موجی از اعتصابات کوره پزشکی ها سراسر کشور را فرا گرفته است. پس از اعتصاب موفقیت آمیز کوره پزشکی ها قرچک ورامین و شبستر، کوره پزشکی ها میاندوآب و ارومیه نیز به اعتصاب کارگران کوره

تداوم مبارزات کارگران هفت تپه درگرو ابتکار عمل تازه

نیروهای پلیسی و امنیتی غرق کرده است. امکان تشکیل اجتماعات وسیع را از کارگران سلب کرده و پیوسته فعالان کارگری را دستگیر می کند و برای قطع ارتباط این فعالان با توده وسیع کارگران به هراقدامی دست می زند. دولت سرمایه بدین سان می کوشد جنبش کارگران را زمین گیر کند. کارگران هفت تپه برای غلبه بر این وضعیت باید بن بست موجود را بشکنند. تشکیل شورای ضدسرمایه داری و تصرف کارخانه نقطه شروع امیدوار کننده ای در این راستا است. انجام این کار و پیشبرد این هدف وظیفه خاص ۵۰۰۰ کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه نیست. تدارک تصرف کارخانه و برنامه ریزی کار و تولید توسط شورای ضدسرمایه داری کارگران موضوع بسیار مهمی است که باید به یک میدان جدی همبستگی طبقاتی کارگری علیه سرمایه تبدیل شود. هیچ بخشی از طبقه کارگر در غیاب حمایت فعال بخش های مختلف طبقه کارگر ایران و بدون حمایت مؤثر کارگران سایر جاهای دنیا قادر به پیشبرد موفق این سطح از مبارزه نیست. اما در این میان یک نکته، بسیار مهم است. و آن این که تمامی این همبستگی ها و همپیوندی ها به ابتکار عمل و اتخاذ راهکار نوین مبارزه توسط کارگران کارخانه هفت تپه گره خورده است.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۲۶ خرداد ۱۳۸۷

www.hamaahangi.com

hamaahangi@gmail.com

خیزش کارگران هفت تپه همچنان از فشار سخت و سنگین یک بن بست رنج می برد و دولت سرمایه با اعتنام فرصت از این بن بست برای زمین گیر ساختن کارگران دست به لشکرکشی های گسترده زده است. همه چیز گواهی می دهد که کارگران برای غلبه بر بن بست موجود باید راهکار تازه ای اتخاذ کنند. اعتصاب، تبدیل اعتصاب به تجمع های خیابانی یا قطع جاده های مواصلاتی خوزستان، همراه ساختن خیل وسیع همزنجیران در محدوده شهر شوش و جلب همبستگی کارگران برخی واحدهای بزرگ صنعتی هر کدام به سهم خود صف آرای پشکوه و رادیکال کارگران در مقابل سرمایه بوده است. اما تداوم این راهکارها درغیاب یک محور مشخص اعمال قدرت طبقاتی علیه صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری گره گشای واقعی مبارزه کارگران نیست. اعتصاب یک اهرم اساسی و بسیار نیرومند مبارزه علیه سرمایه است، اما وقتی صاحبان سرمایه خود دست به کار تعطیل کارخانه باشند و اعتصاب را خطری برای بستن مجاری تولید ارزش اضافی نبینند، پیداست که ادامه آن را دلیلی برای عقب نشینی در مقابل کارگران نمی دانند. صرف تجمع و راه پیمایی خیابانی نیز بدون این که زمینه ساز جدی شکل گیری و رویش یک جنبش سراسری طبقاتی باشد دولت سرمایه را مجبور به عقب نشینی نمی کند. کارگران هفت تپه چاره ای ندارند جز این که همه راهکارهای تا کنونی مبارزه را به یک محور تعیین کننده اعمال قدرت وسیع و واقعی علیه صاحبان سرمایه و دولت آن ها پیوند بزنند. تشکیل شورای ضدسرمایه داری متشکل از همه کارگران، مبادرت این شورا به تصرف کارخانه، توسل به تمامی همزنجیران کارگر در سطح جامعه و جهان و استمداد از آن ها برای تبدیل عمل تصرف کارخانه به میدان واقعی جدال طبقاتی، راهکار بسیار مهمی است که می تواند بن بست پیش پای کارگران را بشکند. در حال حاضر، دولت سرمایه داری از بن بست کنونی مبارزات حداکثر بهره برداری را می کند و جنبش کارگران را عملاً به یک موقعیت فرسایشی کشانده است. شهر شوش را به گونه ای وسیع در موج تهاجم

www.hamaahangi.com

اخراج کارگران «آذرقاف» به جرم اعتراض

کارگران ناراضی را بلافاصله با اخراج آنان از کار پاسخ گفته است. او عده ای از کارگران را صرفاً به جرم ابراز ناراضی و معترض بودن به کاهش دستمزدهایشان از کار اخراج کرده است. اقدام سرمایه دار صاحب کارخانه موج خشم کارگران را بیش از پیش دامن زده است. کارگران خواستار بهبود وضع دستمزدهای خود و بازگشت فوری و بی قید و شرط همه همزنجیرانشان به سر کار هستند.

۲۹ خرداد ۸۷

دهد و همزمان دستمزد آنان را قریب ۴۰٪ کاهش دهد. کارفرما به این سطح از سلاخی دستمزد کارگران هم اکتفا نکرده و حق ایاب و ذهاب و یک وعده غذای آنان را نیز به طور کامل قطع کرده است. به دنبال این تغییرات، میزان مزد روزانه کارگران در قیال ۸ ساعت کار به درجه ای تنزل یافته است که مطلقاً کفاف معیشت آنان و زن و فرزندانشان را نمی دهد. این امر موج ناراضی و نفرت را در میان کارگران دامن زده و آنان علیه سطح بسیار نازل دستمزد خود دست به اعتراض زده اند. سرمایه دار صاحب کارخانه، اعتراض

کارخانه «آذرقاف» در شهر قزوین قرار دارد و شمار زیادی کارگر را استثمار می کند. در اینجا کارگران زیر فشار احتیاج و فقر و گرسنگی مجبورند که ۱۲ ساعت در شبانه روز کارکنند. مزدی که اینان در قیال روزانه کار ۱۲ ساعته دریافت می کنند بسیار ناچیز است. کارگران به همین دلیل با ۸ ساعت کار شبانه روزی قادر به تأمین معیشت خویش و بازتولید نیروی کارشان برای فروش مجدد به صاحبان سرمایه نیستند. سرمایه دار صاحب کارخانه اخیراً تصمیم گرفته است که روزانه کار کارگران را از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت کاهش

۸ ماه کار بدون دستمزد در کشت و صنعت خاش

این اعتراضات تا لحظه حاضر بدون جواب باقی مانده است. کارگران خواستار پرداخت فوری همه مطالبات خود هستند.

۲۹ خرداد ۸۷

گیرد. سرمایه دار نه فقط ۸ ماه دستمزد کارگران را نپرداخته بلکه «عیدی» و «پاداش» و «بن کارگری» و سایر مطالبات آنان را نیز پرداخت نکرده است. در طول این ۸ ماه کارگران بارها علیه ستم صاحبان سرمایه و عدم پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کرده اند.

کارگران کشت و صنعت خاش ۸ ماه تمام است که ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. در این کارخانه ۱۳۰ کارگر استثمار می شوند. سرمایه دار صاحب شرکت، دولت سرمایه داری اسلامی است و اداره شرکت توسط نهادهای به نام «بنگاه تعاون صنایع زندان ها» صورت می

بستن اتوبان اهواز - اندیمشک توسط کارگران هفت تپه برای باردوم

اعتراضی امروز کارگران بیش از ۴۰۰ نیروی پلیس برای سرکوب کارگران در محل حاضر بودند. آن ها با توسل به تمامی ترفندها و شرارت ها برای متفرق کردن کارگران و پایان دادن به مبارزات آن ها تلاش می کردند. با کارگران درگیر می شدند و آن ها را مورد ضرب و شتم قرار می دادند. در این روز توده های کارگر یک بار دیگر بر اجتناب ناپذیری ادامه مبارزاتشان تا حصول همه مطالبات پای فشردند. آنان فریاد می زدند که مبارزات را نه فقط ادامه که حتماً گسترش خواهند داد.

۲۹ خرداد ۸۷

شهر شوش در مبارزات کارگران به طور مستقیم حضور دارند و در کشمکش میان کارگران و نیروی سرکوب سرمایه از همزنجیران خود دفاع می کنند. راه بندان اعتراضی روز اخیر جاده اندیمشک - اهواز نیز با حضور گسترده تمام کارگران و خانواده های آنان انجام گرفت. کارگران همچنان فریاد خشم خود را با شعارهای «کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم»، «زندگی انسانی حق مسلم ماست»، «کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد»، و مانند این ها با قدرت و نفرت تمام بر سر روی نیروی سرکوب و عمال دولتی سرمایه فروکوبیدند. در جریان تظاهرات

چند هزار کارگر نیشکر هفت تپه برای بار دوم جاده مواصلاتی اندیمشک - اهواز را به تصرف خود در آوردند. کارگران اعتصاب یک ماهه خویش را که در امتداد ۱۲ اعتصاب مهم دیگر در طول ۱۴ ماه صورت گرفته است، ادامه می دهند. آنان خواستار پرداخت حقوق معوقه و سایر مطالبات خویش هستند. در تمامی طول ماه اخیر کارخانه نیشکر هفت تپه، شهر شوش و برخی از جاده های مهم استان خوزستان میدان جنگ و گریز مستمر و پراکنده کارگران علیه صاحبان سرمایه و دولت آن ها بوده است. چندین هزار زن و کودک خانواده های کارگری به علاوه شمار کثیری از اهالی

تظاهرات کارگران فرانسه علیه افزایش ساعات کار و سن بازنشستگی

نشده و دولت بورژوازی فرانسه نتوانسته است پروسه قلع و قمع امکانات معیشتی و رفاهی کارگران را آن چنان که مطلوب سرمایه است با موفقیت به پیش برد. سارکوزی و دولت او کل رسالت دوره رئیس جمهوری خود را در راستای رفع این مشکل! بسیج کرده است. او

می کند که بورژوازی فرانسه در انجام این مهم از طبقه سرمایه دار و دولت های سرمایه داری برخی ممالک دیگر اروپا کمی عقب مانده است. به بیان دیگر او بر این باور است که مقاومت طبقه کارگر فرانسه در مقابل موج تعرضات نابودگرانه سرمایه به اندازه لازم در هم شکسته

مبارزه کارگران فرانسه علیه افزایش ساعات کار و سن بازنشستگی ادامه دارد. دولت سارکوزی مصمم است که با توسل به هر جنابیتی کل شرایط کار و زندگی توده های کارگر این کشور را به نفع افزایش هر چه بیشتر سود سرمایه ها سلاخی کند. او احساس

۵۰۰ هزار کارگر و انسان معترض فرانسوی شرکت داشتند.
ژوئن ۲۰۰۸

بورژوازی فرانسه از همان دقایق نخست موج گسترده مبارزات و مقاومت کارگران را به همراه داشته است. در تظاهرات اخیر علیه افزایش سن بازنشستگی و ساعات کار بیش از

افزایش سن بازنشستگی و ساعات کار کارگران را دستور جدی دولت خود قرار داده است. بیکارسازی وسیع در پاره ای از قلمروها و بالا بردن هر چه بیشتر شدت و سختی کار نیز اجزای پیوسته برنامه اوست. اقدامات دولت

بیکاری کارگران تولید لباس به دلیل بالا رفتن بهای پارچه!

کارگر به دنبال بیکاری چه خواهد شد موضوعی است که اساساً محلی از اعراب ندارد. از دید این جماعت سودپرست خون اشام کارگر به محض این که نیروی کارش سود افسانه ای مورد دلخواه آنان را تولید نمی کند باید در مسلخ سرمایه ذبح شود و خودش و زن و فرزندانش از گرسنگی بمیرند. در حال حاضر از ۱۰۰ هزار کارگر کارگاه های لباس دوزی تهران حدود ۶۰ هزار نفر در بیکاری و گرسنگی و فلاکت و بدبختی به سر می برند.
۲۹ خرداد ۸۷

کارگر یعنی بر زندگی انسانی که تولید کننده و خالق سرمایه است خراب می کند. در ماه های اخیر شمار زیادی از تولیدی های لباس در سطح وسیع دست به اخراج کارگران زده اند. سرمایه داران صاحب این کارگاه ها حدود ۶۰٪ کارگران خود را اخراج کرده و بیکار ساخته اند. دلیل آن ها این است که بهای پارچه بالا رفته است. هزینه تولید لباس بیشتر از گذشته است، تولید به اندازه سابق برایشان سودآور نیست، به همین دلیل کارگر نمی خواهند و باید کارگر را اخراج کنند. در نظام سرمایه داری و در مشرب و مرام و مذهب صاحبان سرمایه این که سرنوشت زندگی

نظام سرمایه داری هر ریال کاهش سود هر بخش از سرمایه را بدون هیچ تأخیر با یورش به سطح معیشت کارگران جبران می کند. سرمایه در بنیاد هستی خود یک رابطه متناقض است، زیرا شالوده حیات آن بر استثمار هر چه بیشتر نیروی کار و قربانی ساختن هر چه هولناک تر انسان در آستانه فربه شدن بیش از پیش خود قرار داده است. سرمایه خود ریشه واقعی هر نوع گرانی و افزایش بهای محصولات است و در همان حال هر ریال افزایش بهای کالاها را به دلیل بالابردن هزینه بازتولیدش علتی برای کاهش سود خود تلقی می کند و بار این کاهش راست یا دروغ را بدون هیچ درنگ بر سر

عدم پرداخت دستمزد کارگران در شرکت ساختمانی ماد

که در صورت تعویق بیشتر پرداخت دستمزدها حتماً دست به اعتصاب خواهند زد و اعتصاب را تا حصول همه مطالبات ادامه خواهند داد.
۲۹ خرداد ۸۷

همه حوزه هایی که کار می کنند دست به اعتراض زده اند. آنان به همه مراجع دولتی سرمایه رجوع کرده و خواستار دریافت حقوق ماهانه و سایر مطالبات خود شده اند. اعتراض کارگران مطابق معمول با جانبداری دستگاه های نظم سرمایه از صاحب شرکت مواجه گردیده و بدین سان هیچ مشکل از توده های کارگر حل نکرده است. کارگران اعلام کرده اند

شرکت ساختمانی سازه ماد در استان کردستان مستقر است و جمعیت زیادی کارگر را استثمار می کند. این شرکت چند ماه است که هیچ دستمزدی به کارگران پرداخت نکرده است. سرمایه دار صاحب شرکت علاوه بر دستمزد کارگران عیدی و پاداش و همه مطالبات دیگر کارگران را نیز مصادره کرده و از پرداخت آن ها خودداری می کند. کارگران این شرکت در

بستن جاده اهواز - اندیمشک توسط کارگران هفت تپه

موقع سه ماهه، عزل و استعفا هیئت مدیره کارخانه، پایان دادن به سرکوب و دستگیری فعالین کارگری و اخراج عوامل امنیتی سرمایه از محیط کارگاه آغاز شد. این مبارزات به طور مرتب توسط سرمایه سرکوب شده، اما کارگران بسیار مصمم مقاومت کرده و پیکار خویش را ادامه داده اند. این پیکار همچنان ادامه دارد.
۲۸ خرداد ۸۷

اما اطمینان کامل کارگران به دروغ بودن تمامی وعده و وعده های عمل سرمایه از یک سو و فشار سهمگین گرسنگی و نداری و فقدان هر نوع امکانات معیشتی از سوی دیگر، باعث حدت دوباره مبارزه و شعله ور شدن بیش از پیش خشم کارگران گردیده است. دور اخیر مبارزات توده های کارگر هفت تپه بیش از یک ماه قبل با طرح مطالبات مشخص خویش مشتمل بر پرداخت فوری و بی قید و شرط دستمزدهای

صبح سه شنبه ۲۸ خرداد، کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده های آن ها جاده اهواز - اندیمشک را بستند. بیش از چند هزار کارگر دست در دست زنان و کودکان خود به این جاده هجوم آوردند و در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خویش عبور و مرور ماشین ها را در این جاده مهم ارتباطی متوقف ساختند. مبارزات کارگران هفت تپه چند روز پیش زیر فشار موج تهاجم نیروهای سرکوب سرمایه دچار افت شد،

رهایی دو کارگر از کشتار هنگام کار

صاحبان سرمایه بر اساس محاسبات خود برای تامین سودآوری هرچه بیشتر از هزینه های لازم ایمنی محیط کار سرباز می زنند و همین امر به قتل شمار زیادی کارگر می انجامد.

حتمی نجات می یابد. این گونه کارگران به طور واقعی از کشتار برنامه ریزی شده و سازمان یافته سرمایه جان سالم به در برده اند. کشتار برنامه ریزی شده و حساب شده به این معنا که

در سوانح حین کار که هر روز در کارخانه ها و مراکز کار مختلف کشور صدها کارگر قربانی شدت استثمار و فقدان شرایط ایمنی کار می شوند گاه پیش می آید که کارگری از مرگ

سنگین آجر بیرون بکشند. کارگر اخیر اگر چه تا کنون از کشتار سوانح سرمایه جان به دربرده اما از ناحیه دست سخت دچار حادثه شده است. میزان آسیب دیدگی او بسیار بالاست و معلوم نیست که بتواند سلامتی دست خود را بازیابد.

۲۸ خرداد ۸۷

که به دستور کارفرما بدون هیچ نوع امکانات ایمنی مشغول تخریب یک دیوار بود زیر آوار توده های سنگین آجر دفن شد. از طرف شرکت ساختمانی صاحب سرمایه هیچ نوعی اقدامی برای نجات این کارگر به عمل نیامد. کسانی که برای نجات جان این کارگر تلاش کردند همسایگان محل کار او بودند. این همسایگان بودند که توانستند لاشه وی را زنده از زیر آوار

کارگر شوافز کار ۲۰ ساله ای هم که در خیابان مطهری به درون یک چاه قدیمی سقوط کرد از جمله کسانی بود که توانست از همین برنامه کشتار حساب شده سرمایه جان سالم به در برد. اما او تنها کارگری نبود که در این روز موفق شد از کشتار سوانح کار سرمایه بگریزد. کارگر دیگری نیز که در خیابان کرمان شمالی توسط یک شرکت ساختمانی استثمار می شد هنگامی

۲۰۰۰ کارگر «بندر امام» تهدید به اخراج می شوند

و خواستار پرداخت دستمزدهای کامل خویش همراه با تضمین ادامه کار خود هستند.

۲۸ خرداد ۸۷

چیز حاکی از آن است که این وضع ادامه خواهد یافت و حتی تشدید خواهد شد. ۲۰۰۰ کارگری که هم اکنون در این بندر در بدترین شرایط کاری استثمار می شوند به صورت بسیار جدی در معرض اخراج قرار گرفته اند. کارگران علیه این احتمال دست به اعتراض زده

در طول سه ماهه اول سال جاری ورود شمار کشتی های تجارتی به بندر «امام خمینی» کاهشی ۵۰ درصدی داشته است. در پی این امر، سرمایه داران بدون درنگ کار تمام وقت کارگران را کاهش داده و دستمزد ماهانه آنان را به گونه ای بسیار فاحش سلاخی کرده اند. همه

۱۰ میلیون کودک در پاکستان کار می کنند

میلیون ها کودک فیلیپینی، سنگاپوری، چینی و اندونزیایی در بیغوله های نمور لباس دوزی های متعلق به تراست های عظیم اروپایی و امریکایی سرچشمه لایزالی برای فوران بیش از پیش نرخ ارزش اضافی سرمایه های این تراست ها است. در لحظه حاضر، بر اساس آمارهای رسمی که به طور مسلم از آمارهای واقعی فاصله ای بسیار زیاد دارند بیش از ۲۱۸ میلیون انسان بین ۵ تا ۱۷ سال در جهان برای ارتزاق خانواده خود مجبورند کارکنند. شمار این کودکان و نوباوگان هر روز بیشتر می شود. این جمعیت عظیم انسان ها هیچ دسترسی به هیچ مدرسه و آموزش و حداقل معیشت انسانی ندارند. نظام سرمایه داری در معنای واقعی کلمه گورکن بشریت است و درست به همین دلیل بشریت کارگر و فرودست دنیا برای ماندگاری خود باید گور این نظام را بکند.

ژوئن ۲۰۰۸

دهه های اخیر، جنبش های نسبتاً وسیعی علیه کار کودکان در مناطق مختلف دنیا ابراز وجود کرده اند. یک معضل اساسی همه این جنبش ها این است که الغای کار کودک را نه بر محور مبارزه واقعی علیه نظام سرمایه داری و سرچشمه های واقعی اجبار کودکان به کار بلکه، برعکس، در چهارچوب قبول ماندگاری همین نظام یا سرچشمه اساسی بازتولید و گسترش بی امان مجبور بودن کودکان به کار پیش می برند. در طول دو دهه اخیر، میزان انباشت سرمایه در جهان تا چند برابر افزایش یافته و درست در متن همین توسعه غول آسای انباشت سرمایه ها اجبار کودکان خردسال به کار نیز بیش از پیش افزایش یافته است. کار کودکان در شرایط موجود دنیا به یکی از سرچشمه ها و قلمروهای بسیار مهم تشدید استثمار طبقه کارگر جهانی و بالا بردن هرچه بیشتر نرخ اضافه ارزش های سرمایه بین المللی تبدیل شده است. کار ساعتی ۲۰ سنت

بر اساس گزارش «سازمان جهانی کار»، فقط در کشور پاکستان بیش از ۱۰ میلیون کودک مجبورند برای امرار معاش خانواده خود کار کنند. در همین کشور در طول هر سال بخش عظیمی از دانش آموزان زیر فشار فقر و بیکاری و گرسنگی پدر و مادر یا خواهر و برادر ناگزیر به ترک مدرسه و فروش نیروی کار خویش به صاحبان سرمایه می شوند. استثمار جنایت آمیز کودکان خردسال توسط سرمایه در سطح بین المللی هر روز ابعاد بسیار گسترده تر و فاجعه بارتری به خود می گیرد. نظام سرمایه داری در هر لحظه از ادامه حیات تاریخی خود، گرسنگی، فقر، بی دارویی، بی مسکنی و محرومیت از هر نوع امکانات معیشتی را با بیشترین شتاب در سطح جهان گسترش می دهد و به موازات آن اجبار به کار کودکان خردسال را نیز با همان شتاب و در همان میزان بر زندگی ساکنان کارگر و فرودست کره زمین تحمیل می کند. در طول

عدم تمایل به بازنشستگی در میان کارگران انگلیسی

این هم فاجعه بارتر آن که بازنشستگان خود زیر فشار فقر و تنزل مستمر وضع معاش حتی در پیشرفته ترین کشورهای جهان ناگزیر به جستجوی کار هستند. چندی پیش روزنامه ها نوشتند که در آلمان، این غول عظیم صنعتی جهان، جمعیت بسیار کثیری از بازنشستگان برای گذران زندگی خود خواستار بازگشت به کار شده اند. این امر به ویژه در سال اخیر با شتاب بی سابقه نرخ نیازهای اولیه زندگی و کاهش متقابل دستمزدهای واقعی به یک پدیده سراسری در همه جوامع اروپایی تبدیل شده

خود گرفته است. اکنون دیگر در هیچ کجای جهان سخنی از تسلیم سرمایه داران در مقابل این نوع مطالبات کارگران در میان نیست. همه چیز معکوس شده است. در کل دنیا، نظام سرمایه داری برای بالا بردن سن بازنشستگی، کاهش دستمزدهای واقعی، از بین بردن بیمه بازنشستگی، امحای بیمه دارو و درمان و در یک کلام قربانی ساختن دار و ندار معیشتی کارگران در آستان افزایش سود سرمایه ها عنان گسیخته تاخت و تاز می کند. سن بازنشستگی در همه جای جهان در حال افزایش است و از

روزگاری در همین دنیای سرمایه داری سخن از کاهش سن بازنشستگی، بیمه بیکاری، بیمه درمان و بهبود وضع معیشت آدم ها به میان می آمد. توده های کارگر دنیا برای تحمیل این مطالبات بر سرمایه داران و دولت آن ها تلاش می کردند و در پاره ای موارد موفق هم می شدند. سرمایه داران همه جا با تمامی قدرت در برابر این مبارزات و علیه طرح این خواسته ها دست به مقاومت می زدند، اما به هر حال زیر فشار جنبش ها تسلیم می شدند. تاریخ سرمایه داری دیری است که روند معکوس به

همه و همه ارمغان های قهری سرمایه داری
برای بشریت معاصر هستند.
ژوئن ۲۰۰۸

بازنشستگی و اجبار انسان ها به فروش نیروی
کار تا لب گور، امحای بیمه دارو و درمان و
بیکاری، تبدیل تن فروشی زنان به شیوه ارتزاق
کودکان، تجارت هولناک سکس و بردگی رقت
بار خردسالان و هر توحش دیگری که امکان
خطور آن به ذهن انسان وجود دارد یا ندارد،

است. آخرین گزارش ها حاکی است که ۶۴٪
کارگران انگلیسی زیر فشار کاهش مزدها و
سیر صعودی قیمت کالاها هیچ تمایلی به
بازنشسته شدن ندارند و خواستار ادامه کار حتی
در سن بازنشستگی هستند. گسترش بی حومرز
کار کودکان همراه با افزایش بی حساب سن

تظاهرات بزرگ خانواده های کارگران هفت تپه

سرمایه درحمله به صفوف فشرده خانواده ها
دچار تردید شدند. خانواده ها اعلام کردند که تا
پرداخت کامل دستمزدها به مبارزه خویش ادامه
خواهند داد.
۲۷ خرداد ۸۷

حق مسلم ماست». در این تظاهرات بزرگ بیش
از چند هزار زن و کودک خانواده های کارگری
شرکت داشتند. آنان خواستار پرداخت فوری و
بی قید و شرط دستمزدهای کارگران بودند.
زنان و کودکان فریاد می زدند: وعده های
دروغ ندهید و به جای آن دستمزدهای ما را
پرداخت کنید. شدت خشم خانواده های کارگران
به حدی بود که عمال دولتی و نیروی سرکوب

خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه تهاجم
نیروهای انتظامی و امنیتی سرمایه را عقب
راندند. آنان به رغم حاکمیت سایه وحشت و
هراس و ارباب در سطح شهر، در سطحی
بسیار گسترده به خیابان ها آمدند و شعارهای
همیشگی کارگران را فریاد زدند. شعارها این
بود: « کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه
ایم»، « زندگی حق مسلم ماست»، « معیشت

در کارخانه «بافت حریر» با کارگران چه می کنند؟

کارگران بافت حریر در این شرایط و زیر فشار
این درجه از شدت استثمار و بی حقوقی کار می
کنند. سرمایه دار صاحب کارخانه اعلام کرده
است که هر اعتراضی را با اخراج پاسخ خواهد
گفت. کارگران خود را سخت درمانده احساس
می کنند و از همه همزنجیران خویش می
خواهند که صدای اعتراض آن ها را به گوش
همگان برسانند.
۲۷ خرداد ۸۷

صاحب سرمایه کار کنند و ارزش اضافی تولید
می کنند بدون این که بابت آن دستمزدی بگیرند.
۳. همه کارگران به صورت روزمزد کار کنند
و هیچ سخنی از استخدام بر زبان نیاورند.
۴. کارگران به اجحاف ها و ستم های سرمایه
دار اعتراض نکنند.
۵. و سرانجام این که کارگران در مقابل عدول
سرمایه دار از تنظیم لیست بیمه آنان سکوت
کنند.

این کارخانه در شهر سمنان قرار دارد و در
حال حاضر ۳۰ کارگر را استثمار می کند.
شرایط کاری که کارفرما اعلام کرده به طور
خلاصه به شرح زیر است:
۱. تمامی کارگران باید در همه روزهای تعطیل
بدون استثناء در سر کار حاضر شوند.
۲. کارگران در روزهای تعطیل در مقابل
ساعات طولانی اضافه کاری نباید هیچ
دستمزدی مطالبه کنند. به زبان سرراست تر،
در هر سال در تمامی ۵۲ جمعه و دیگر
روزهای تعطیل، ساعات بسیاری را برای

موج جدید اعتراض کارگران صنایع خبراتی راه دور

اداره کنند. این کار در گرو آن است که
کارگران شورای ضد سرمایه داری خود را
تشکیل دهند. حمایت کارگران جاهای دیگر از
مبارزات و مطالباتشان را جلب کنند، و دولت
را مجبور سازند که کلیه امکانات لازم برای
اداره کارخانه را به صورت رایگان در اختیار
آنان قرار دهد. تحقق این هدف برای ۱۲۰۰
کارگر این کارخانه آرزوی بعییدی نیست. شروع
این کار تنها راه واقعی تداوم پیکار و تنها
روزنه باز به سمت پیروزی در مبارزات جاری
یک ساله است. ۲۷ خرداد ۸۷

شنیدن حرف ها و اعتراضات خود کردند.
کارگران فریاد می زدند که خواستار پرداخت
مطالبات معوقه یک ساله خویش هستند. آنان
همچنین خواهان ادامه کار کارخانه و انصراف
حتمی کارفرما از تعطیل این شرکت شدند.
اجتماع کارگران تا چند ساعت ادامه یافت و در
پایان همه آنان اعلام کردند که در صورت عدم
دریافت دستمزدها و پاسخ مساعد درمورد ادامه
کار حتماً مبارزاتشان را در سطحی گسترده تر
دنبال خواهند کرد. کارخانه صنایع خبراتی از
جمله کارخانه هایی است که کارگران باید آن را
به تصرف خود درآورند و به صورت شورایی

۱۲۰۰ کارگر صنایع مخابراتی راه دور یک
سال تمام است که در بلا تکلیفی به سر می برند.
سرمایه دار کارخانه اعلام کرده که شرکت را
تعطیل می کند و سرمایه هایش را به حوزه های
پرسودتر منتقل می سازد. کارگران در طول این
یک سال ریالی دستمزد دریافت نکرده اند و
فشار گرسنگی زن و فرزندان آن ها را به روز
سیاه نشانده است. ۱۲۰۰ کارگر کارخانه در
اعتراض به این وضعیت فاجعه بار ضد انسانی
صبح زود امروز استانداری فارس را به
محاصره خود گرفتند. آنان با هجوم
غافلگیرکننده خویش استاندار را مجبور به

کشتار مستمر کارگران توسط سرمایه در بخش ساختمان

ساختمان و در همین استان که توسط روزنامه
های رسمی دولت سرمایه داری اعلام می شود
نیز بسیار کمتر است. با این همه، همین اعتراف

کارگر بر اثر فقدان ایمنی شرایط کار به قتل می
رسد. آنچه انجمن صنفی می گوید از شمار
کارگران مقتول در سوانح کار در همین بخش

حتی انجمن صنفی کارگران ساختمانی ایزار
دست سرمایه هم قبول کرده است که فقط در
فارس، در هر روز، در بخش ساختمان، یک

می‌کند. قتل حین کار یکی از ستمگرانه‌ترین شکل‌های مرگ انسان توسط سرمایه‌است.

۲۷ خرداد ۸۷

کشاکش کارگران در حین استثمار توسط سرمایه و به دلیل فقدان ایمنی شرایط کار موضوعی است که باید به صورت بسیار جدی به یک میدان وسیع کارزار کارگران علیه نظام سرمایه‌داری مبدل گردد. سرمایه در هر لحظه و هر ساعت با ده‌ها شکل جوراجور انسان‌ها را تسلیم مرگ

عوامل سرمایه در انجمن صنفی در کنار آنچه که به صفحه حوادث روزنامه‌ها راه می‌یابد، نشان می‌دهد که چه شمار کثیری از کارگران هر روز در همه بخش‌های تولید و کار در سراسر جهنم سرمایه‌داری ایران توسط سرمایه در حین کار به قتل می‌رسند. فاجعه

گسترش اعتصابات کارگری در کره جنوبی

سطح دستمزدها و یا تنزل بهای نیازهای زندگی و مواد سوختی هستند. شمار رانندگانی که در لحظه حاضر در اعتصاب به سر می‌برند قریب ۴۰۰۰۰ نفر است. دولت سرمایه‌داری کره جز توسل به تهدید و زور هیچ پاسخ دیگری به اعتصاب کنندگان نداده است. کارگران راننده کامیون اعلام کرده‌اند که تا دست‌یابی به خواسته‌های خود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

ژوئن ۲۰۰۸

است. هجوم گسترده پلیس ضدشورش و تهدیدات دولت‌ها سرمایه‌داری کره دایره‌بر گسیل نیروهای مزدور ارتش به عنوان اعتصاب شکن نیز تا لحظه حاضر هیچ خللی در تصمیم کارگران برای ادامه اعتصاب پدید نیاورده است. مبارزه کارگران در اعتراض به گرانی بهای سوخت و سایر نیازهای زندگی آغاز شده است. کارگران فریاد می‌زنند که سیر صعودی نرخ ارزاق عمومی و به ویژه بهای مواد سوختی عملاً دستمزدهای واقعی آن‌ها را بیش از ۳۰٪ کاهش داده است. آنان خواستار جبران فوری این کاهش از طریق بالا بردن

۱۵۰۰۰ راننده کامیون کمپرسی، بولدوزر و بتن‌ساز همراه با حدود ۸۵۰۰ اپراتور ماشین آلات ساختمانی در کره جنوبی به صف وسیع اعتصاب هم‌نحیران خویش پیوستند. سیستم حمل و نقل کره جنوبی از ۵ روز پیش زیر فشار مبارزات بخش‌های دیگر رانندگان کامیون دچار اختلال جدی شده است. موج جدید اعتصاب کارگران راننده بخش ساختمان و پیوستن حدود ۲۴۰۰۰ راننده کامیون این بخش به هم‌نحیران اعتصابی خود به طور محسوس کفه توازن قدرت را به نفع کارگران و علیه صاحبان سرمایه و دولت آن‌ها سنگین کرده

پیروزی کارگران مه‌نخ، فرنخ و کوره پزخانه‌های شبستر

کنند. این کارگران ۱۹ روز در اعتصاب به سر می‌بردند. در طول این مدت زیر فشار سنگین نیروهای امنیتی و سرکوب دولت سرمایه‌داری قرارداد شدند. با همه این‌ها، آنان سخت مقاومت کردند. پیروزی مبارزات کارگران فرچک ورامین پشتوانه مؤثری در عزم استوار کارگران برای ادامه مقاومت و مبارزه بود.

۲۶ خرداد ۸۷

روز آینده پرداخت کند. کارگران اعلام کرده‌اند که هر گونه کوتاهی سرمایه‌دار در اجرای تعهداتش را با شروع مجدد اعتصاب پاسخ خواهند گفت.

همزمان با موفقیت‌های نسبی کارگران فرنخ و مه‌نخ، کارگران کوره پزخانه‌های شهر شبستر نیز موفق شدند که خواسته‌های خویش در مورد افزایش دستمزد را بر صاحبان سرمایه تحمیل

۷۶۵ کارگر کارخانه‌های فرنخ و مه‌نخ در شهر صنعتی قزوین پس از ۱۰ روز اعتصاب توانستند سرمایه‌دار صاحب کارخانه را مجبور به عقب‌نشینی کنند. کارگران ۳ ماه است که دستمزدهای خود را دریافت نکرده‌اند و کارفرما زیر فشار اعتصاب ۱۰ روزه قبول کرده است که حقوق ماه فروردین کارگران را هم اکنون و سایر مطالبات آنان را ظرف ۱۰

سرمایه کارگر اصفهانی را زیر آوار تونل مترو دفن کرد

سازد. او را مجبور به فروش نیروی کار خود می‌کند. در جریان خرید و فروش نیروی کار جواد و جوادها را از هر نوع دخالت ممکن در چگونگی فرایند کار و هدف کار و همه چیز روند کار محروم می‌گرداند. این نظام کارگر را به برده‌ای فاقد هر گونه نقش تبدیل می‌کند. دستمزد یعنی بهای نیروی کارش را هر روز به شکلی کاهش می‌دهد. هزینه ایمنی محیط کار او را بر دوش نمی‌گیرد و معادل این هزینه را به سود و سرمایه اضافه می‌کند. جواد به قتل رسیده است و قاتل او باید به جرم این قتل فجیع محاکمه شود.

۲۶ خرداد ۸۷

حوادث خود و بخشیدن رونق به بازار کسب و کار ژورنالیستی رایج نظام بردگی مزدی نوشته‌اند: «جواد کارگر ۵۵ ساله در جریان احداث متروی اصفهان زیر آوار جانش را از دست داد». آوار در اینجا آوار سرمایه‌است، آوار رابطه خرید و فروش نیروی کار. کارگری که زیر آوار رفته برای سرمایه‌کار می‌کرده و ارزش اضافی تولید می‌نموده است. سرمایه‌دار صاحب شرکت مقاطعه کاری که جواد را استثمار می‌کرده از محل کار جواد و جوادها دنیایی سرمایه و سود انباشته است. او قاتل مستقیم جواد کارگر ۵۵ ساله است. قتل جواد فجیع‌ترین و بیش‌زمانه‌ترین نوع قتل‌ها است. نظام سرمایه‌داری جواد و هر کارگر دیگر را از تمام حق و حقوق انسانی خود ساقط می‌

فرعون برده‌دار مصر، سه هزار سال پیش از این، در جریان احداث اهرام ثلاثه معروف، انبوه بیشماری از بردگان را در لابه لای جرز ساختمان آن بنا دفن کرد. آنچه نظام سرمایه‌داری ۳۰۰۰ سال پس از آن تاریخ علیه بشریت روا می‌دارد نیز دست کمی از جنایات برده‌داران و نظام برده‌داری آن عصر ندارد. برده مصری با کار خویش اهرام را می‌ساخت و همزمان در لابلای سنگ‌هایش دفن می‌شد. برده مزدی سرمایه‌نیز با کار خویش کل جهان سرمایه را خلق می‌کند و هر روز هزار هزار در چهار گوشه دنیا در لابه لای جرز سوانح ناشی از سودجویی صاحبان سرمایه دفن می‌شود. روزنامه‌های رسمی سرمایه در شهر اصفهان در حد احتیاج به پر کردن صفحه

اعتصاب کارگران در معدن « چيروک »

دستمزدهای ماهانه خود را نیز دریافت نکرده اند. آنان در اعتراض به همه این بی حقوقی ها و شدت استثمار دست به اعتراض زده و روند کار را متوقف ساخته اند.

۲۶ خرداد ۸۷

امروز هیچ نگرفته اند. تمامی این کارگران سال هاست که در اینجا کار می کنند و از تمامی تخصص و مهارت کاری به اندازه کافی برخوردارند. با این همه، سرمایه دار صاحب کارخانه همه آنان را کارگر ساده تلقی می کند و دستمزد آنان را بر اساس دستمزد کارگر ساده و تازه استخدام تعیین کرده است. این کارگران علاوه بر همه این ها مدت ها است که

معدن چيروک در حوالی شهر طیس قرار دارد. این معدن بیش از ۵۰ کارگر را استثمار می کند. شرایط کار و استثمار کارگران بسیار شاق و نوان فرسا است. آنان در ریخته گری خاک نسوز کار می کنند و از امکانات لازم ایمنی محیط کار برخوردار نیستند. کارگران حق سنوات خود را دریافت نکرده اند. بابت آنچه که باید در چهارچوب طبقه بندی مشاغل بگیرند تا

حمله وحشیانه نیروی سرکوب سرمایه به کارگران کوره های ارومیه

سرمایه داران به خواست و اعتصاب کارگران فقط سرکوب و بازهم سرکوب بوده است. مبارزه کارگران ارومیه زیر فشار این سرکوب ها اینک در موقعیتی بسیار وخیم قرار گرفته است. کارگران از همه همزنجیران خویش در تمامی مراکز کار و تولید می خواهند که به یاری آنان بشتابند. آنان خواستار حمایت عملی همه کارگران ایران هستند.

۲۶ خرداد ۸۷

و اعمال نظم ضدکارگری سرمایه در این است که اعتصاب کارگران بدون حصول هیچ نتیجه ای درهم شکسته شود. دولت سرمایه داری پاسدار سودآوری هر چه انبوه تر سرمایه ها و استثمار هر چه جنایتکارانه تر توده های کارگر است. ۳۰۰۰ کارگر در ۹۰ کوره آجری همراه با تمامی کودکان خردسال و زنان و سایر افراد خانواده زیر فشار گرسنگی، فقر و محرومیت از ابتدایی ترین امکانات معیشتی سه هفته تمام است دست به اعتصاب زده اند. آنان خواستار افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و زندگی خود هستند. پاسخ سرمایه و دولت

دولت سرمایه برای در هم شکستن اعتصاب سه هفته ای چندین هزار کارگر کوره پزخانه های ارومیه دست به وحشیانه ترین تهاجمات زده است. شمار زیادی از کارگران را دستگیر کرده ، زنان و کودکان آنان را آماج ضرب و شتم قرار داده ، محیط زندگی خانواده های کارگران را از همه سو محاصره کرده و رسیدن خواربار و نیازهای اولیه زندگی به خانواده ها را سخت دشوار کرده است. دولت سرمایه به همه این اقدامات دست زده تا مراتب خدمتگزاری خود به آستان سودجویی سرمایه داران را به صورت کامل به جا آورد. تمامی تلاش نیروی سرکوب

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) بازدید کنید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

hamaahangi@gmail.com

اعتراض وسیع کارگران سنگان و قتل یک کارگر در حین کار

جمعیت وسیعی از کارگران شهر سنگان برای یک شرکت خصوصی سنگ کار می کنند و توسط این شرکت به شدیدترین وجه استثمار می شوند. این کارگران بدون هیچ نوع قرارداد کار، هیچ نوع استخدام، هیچ نوع حق بیمه و در یک کلام بدون داشتن هیچ نوع حق و حقوق انسانی و اجتماعی توسط کارفرمای شرکت استثمار می شوند. کار آنان جمع آوری سنگ است. شرکت ساختمانی که حتی نام آن برای کارگران ناشناخته است در قبال جمع آوری هر تن سنگ فقط ۱۰ هزار تومان به کارگران می پردازد. این شرکت سنگ های جمع آوری شده توسط کارگران را بدون هیچ هزینه ای به مبلغی بالاتر از ۱۲۰ هزار تومان می فروشد. سرمایه دار شرکت آدم بسیار محاسبه گری است. او لازم نیست که کارشناس حسابداری باشد یا مثلاً نمره ریاضیات دوران تحصیلش بسیار خوب بوده باشد. ایشان یک سرمایه دار است و شم تیز استثمارگری سرمایه دارانه اش به او می گوید که نرخ رایج ارزش اضافی در حوزه بازتولید سرمایه های ایران ۱۲۰ درصد است. به همین

دلیل او تلاش کرده است که حتی بدون داشتن کارخانه و بدون داشتن هیچ سر و کاری با هیچ ترتیب و آداب قراردادی و استخدامی و ارزش و این حرف ها نرخ ۱۲۰ درصدی ارزش اضافی را برای سرمایه خود دست و پا کند. او در قبال هر یک تومان که به عنوان دستمزد به کارگران می پردازد ۱۲ تومان سود به جیب خود سرازیر می کند و به سرمایه خویش می افزاید.

سرمایه دار صاحب شرکت سنگ تا اینجا از همتایان استثمارگر جنایتکارش عقب نمانده و بر همین مبنا بسیار تشویق شده است که در همه عرصه های دیگر نیز عقب نماند. او در راستای همین تلاش مدت ها است عزم جزم کرده که هیچ دستمزدی هم به کارگران پرداخت نکند و این کار را نیز با موفقیت انجام داده است. صاحب شرکت ساختمانی مطابق معمول و بر اساس نص صریح قانون اساسی سرمایه در روند پیشبرد جنایاتش از بالاترین میزان حمایت نیروی سرکوب و دستگاه های اعمال

قهر طبقه اش هم بهره گرفته و هر اعتراض کارگران را با حضور فوری نیروهای پلیس و نهادهای ضد شورش درهم کوبیده است. سرمایه دار مورد نظر ما به این میزان از تاخت و تازها، شدت استثمار و این درجه از تحمیل بی حقوقی بر کارگران و سرکوب اعتراضات آنان نیز بسنده نکرده است. مثل همه سرمایه داران دیگر با فراغ بال و آسودگی کامل خیال یک کارگر را زیر فشار محرومیت از هر نوع وسائل ایمنی حین کار به قتل رسانده است. او در قبال این قتل، یک کلمه هم بازخواست نشده است.

کارگران شهر سنگان در اعتراض به تمامی این جنایات و به طور خاص در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای چند ماهه خویش توسط سرمایه دار صاحب شرکت دست به اعتراض زده و خواهان حصول مطالبات خویش هستند.

۲۶ خرداد ۸۷

فریاد اعتراض بازماندگان کارگران کشته شده در آتش سرمایه

اکثر کارگرانی که در شازند اراک در آتش سرمایه سوختند از هیچ نوع بیمه ای برخوردار نبوده اند. زنان و کودکان این کارگران اینک هیچ درآمدی برای اداره زندگی خویش ندارند. کارگران کشته شده تمامی عمر را برای سرمایه کار کردند و دنیایی سرمایه برای سرمایه داران تولید نمودند. آنان سرانجام در آتش سوداندوزی سرمایه سوختند. نظام سرمایه داری این کارگران را بسیار سبعمانه به قتل رساند، زیرا

برای حفظ جان آنان و ایمنی محیط کارشان حاضر به تحمل هیچ هزینه ای نشد. سرمایه داران هزینه این کار را به سود خود افزودند. صاحبان سرمایه در تمامی طول مدتی که این کارگران را به سفاکانه ترین شکل استثمار کرده اند، هیچ ریالی بابت بیمه آنان پرداخت نکرده اند. آنان هزینه این کار را نیز به کوه سودها و سرمایه های خود افزوده اند. حاصل همه این جنایات سرمایه این است که زنان و کودکان

کارگران کشته شده در آتش سرمایه در شازند اکنون در خطر گرسنگی و مرگ ناشی از گرسنگی قرار گرفته اند. آنان به همین دلیل دست به اعتراض زده و خواستار دریافت مستمری مناسب برای گذران زندگی خود هستند.

۲۶ خرداد ۸۷

تعویق سه ماهه حقوق کارگران در « نوشابه گازدار » سقز

کارخانه نوشابه گازدار شهر سقز ۴۰ کارگر را استثمار می کند. صاحب کارخانه ۳ ماه تمام است که هیچ ریالی بابت دستمزد به کارگران پرداخت نکرده است. او دلیل این کار را وضعیت بد مالی ناشی از عدم ارسال نوشابه به کشور عراق اعلام داشته است!! دولت سرمایه داری ایران وسیع ترین نقش را در بازار

انباشت سرمایه و تجارت کالا در عراق دارد. اما سرمایه دار صاحب نوشابه گازدار مدعی است که این روابط برای حصول سود مورد انتظارش کفاف نمی دهد. او به همین دلیل عزم جزم کرده است که کارگران را به جرم مطلوب نبودن بازار تجارت نوشابه ها در عراق به اشد مجازات برساند!! کارفرما به همین دلیل ۳ ماه

حقوق کارگران را پرداخت نکرده است. کارگران زیر فشار گرسنگی دست به اعتراض زده اند و خواستار پرداخت فوری دستمزد خویش هستند.

۲۶ خرداد ۸۷

اعتصاب کارگران صنایع کشتی سازی ترکیه علیه کشتار کارگران حین کار

تمامی کارگران کشته شده می دانند. آنان علیه این وضعیت دست به اعتراض زده و اعلام کرده اند که چرخ کار و تولید را متوقف خواهند ساخت. کارگران خواستار ایمنی کامل محیط کارشان هستند.

ژوئن ۲۰۰۸

نتیجه مستقیم این کار بالا رفتن شمار سوانح حین کار بوده است. در طول این چند سال حداقل ۱۴ کارگر در روند روزانه کار و هنگام تولید بیشترین اضافه ارزش ها برای صاحبان سرمایه جان خود را از دست داده اند. آخرین کارگر همین چند روز قبل در هنگام کار توسط سرمایه به قتل رسید. کارگران ترکیه سرمایه داران و نظام سرمایه داری را قاتل مستقیم

در طول ۳ سال گذشته میزان تولید کشتی در صنایع کشتی سازی ترکیه ۳ برابر شده است. صاحبان سرمایه با مشاهده رونق بازار فروش کشتی فشار کار بر کارگران را افزایش داده اند. شرایط کار سخت توان فرسا شده است و سرمایه داران در جریان افزایش بی مهار شدت و سرعت کار توده های کارگر حتی هزینه امکانات ایمنی محیط کار را نیز کاهش داده اند.

اعتصاب کارگران راه آهن انگلیس در اعتراض به کمی دستمزد و شرایط کار

که در صورت خودداری کارفرمایان از قبول خواسته هایشان در پایان این مدت درمورد ادامه اعتصاب و مبارزه تصمیم خواهند گرفت. ژوئن ۲۰۰۸

و اکنون با اطمینان از بی حاصلی گفتگو دست به اعتصاب می زنند. توقف کار در بخش های مختلف نگهداری و تعمیر تأثیر تعیین کننده ای در سیستم حمل و نقل ریلی انگلیس بر جای می گذارد. کارگران تصریح کرده اند که ۳۰ ساعت به اعتصاب ادامه می دهند. آنان اضافه کرده اند

چندین هزار کارگر بخش های مختلف تعمیر و نگهداری راه آهن در انگلیس دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار بهبود شرایط کار هستند. آنان اعلام کرده اند که در طول ماه های گذشته بارها حول خواسته های خود با سرمایه داران و نهادهای دولتی سرمایه گفتگو کرده اند

قتل دو کارگر مصری توسط سرمایه در محیط کار و در ایتالیا

تهدید می کند. این کارگران به تحمل همه این مصائب رضایت می دهند تا شاید با ارسال بهای بسیار نازل نیروی کارشان برای افراد خانواده خویش جان آنان را از مرگ ناشی از گرسنگی نجات دهند. مرگ دو کارگر مصری و زخمی شدن کارگر سوم فقط چند روز پس از مرگ جان خراش ۶ کارگر دیگر در یک حادثه مشابه رخ داده است. کارگران اخیر باز هم برای سرمایه دار صاحب یک شرکت ساختمانی کار می کرده اند و باز هم به دلیل فقدان ایمنی کار اسیر گازگرفتگی شده و جان خود را از دست داده اند.

ژوئن ۲۰۰۸

در طول سال های اخیر بسیاری از شرکت های عظیم ساختمانی اروپا با برنامه ریزی بسیار حساس شده تلاش کرده اند تا نیروی کار شبه رایگان فراری از کشورهای آسیایی و آفریقایی را به جای کارگران بومی به کار گرفته و به شکلی بسیار وحشیانه استثمار کنند. مزدی که به این کارگران پرداخت می شود گاه ۲۰ مرتبه کمتر از دستمزدهای رایج این کشورها است. آنان تحت پوشش هیچ نوع بیمه ای نیستند. پروانه اقامت ندارند و اساساً از هیچ حق و حقوق انسانی برخوردار نیستند. مجبور به قبول شاق ترین کارها هستند و خطرات ناشی از شرایط وخیم کار به طور مستمر جان آنان را

از آسمان دنیای سرمایه داری همه جا سنگ نکبت و گرسنگی و آوارگی و قتل کارگر فرو می بارد. دو کارگر مصری که زیر فشار بیکاری یا هراس از دستگیری و قتل و زندان، جهنم سرمایه داری مصر را به سوی گوشه دیگری از همین جهنم در کشور ایتالیا ترک گفته بودند، در آنجا در محیط کار و زیر فشار فقدان امکانات ایمنی جان خویش را از دست دادند. کارگر سوم هنوز نمرده است، اما حال او بسیار وخیم گزارش شده است. این ۳ کارگر برای یک شرکت ساختمانی کار می کردند و در حین کار از ارتفاع ۲۰ متری به زمین سقوط کردند.

قتل ۱۹ کارگر چینی در حین کار توسط سرمایه

داده و از این که با پرونده این قتل ها چه خواهد شد هیچ کلامی بر زبان نیامده است. مسئله از دید سرمایه و نظام سرمایه داری بسیار طبیعی و بی نیاز از هر نوع توضیح است. در محکمه این نظام، قاتل کارگری که در حین کار کشته می شود خود اوست، زیرا مراقب جان خود نبوده و در نتیجه از بین رفته است!!

ژوئن ۲۰۰۸

در روستای «شانگ» کار می کرده اند. محل کار کارگران در کنار کوه بوده است، اما صاحبان سرمایه برای جلوگیری از خطر ریزش کوه و برای ایمنی جان کارگران از وقوع چنین حوادثی هیچ چاره ای نیندیشیده بوده و حاضر به قبول هیچ هزینه ای نبوده اند. ۱۹ کارگر در جریان کار برای سرمایه جان خود را از دست داده اند، اما در هیچ کجا از قاتلان واقعی این ۱۹ کارگر، از این که اساساً قتلی رخ

در ظرف ۲ روز این دومین بار است که خبر قتل شماری کارگر در حین استثمار توسط سرمایه در جامعه چین و به دلیل خودداری صاحبان سرمایه از قبول هزینه های ایمنی محیط کار در جرایم دنیا انعکاس می یابد. تا لحظه حاضر اجساد ۱۹ کارگر قربانی را از زیر آوار ناشی از ریزش کوه خارج کرده اند. این کارگران برای سرمایه دار صاحب یک کارخانه آجرپزی در نزدیک شهر «لولیانگ»

اعتصاب رانندگان کامیون در کره جنوبی گسترش می یابد

هیچ خللی در اراده کارگران پدید نیآورده بلکه شمار اعتصاب کنندگان را نیز بسیار سریع از ۵۰۰۰ به ۱۳۰۰۰ افزایش داده است.

ژوئن ۲۰۰۸

تا از نیروی ارتش به عنوان مزدوران اعتصاب شکن استفاده کند. تمامی رانندگان اعتصابی را به مجازات سنگین تهدید کرده و هزاران پلیس ضدشورش را در مناطق مختلف برای سرکوب اعتصاب بسیج کرده است. تهاجم هار پلیسی و سایر راهکارهای وحشیانه دولت برای به شکست کشاندن اعتصاب تا این لحظه نه فقط

شمار کارگران در حال اعتصاب در طول روز دوم به ۱۳۰۰۰ نفر رسیده است. شمار زیادی از بنادر کشور به حالت تعطیل در آمده است. فروشگاه ها در معرض تعطیل قرار گرفته اند و بسیاری از مراکز کار و تولید به دلیل اختلال وسیع در سیستم حمل و نقل با خطر توقف کار مواجه هستند. دولت سرمایه داری مصمم است

کارخانه «آرین حریر» قم و بربرمنشی علیه کارگران زن

زنان را به قبول تمامی این مشقات ناگزیر ساخته است، به گونه ای که از وحشت بیکاری و اخراج از اعتراض علیه این مظالم و جنایات نیز چشم می پوشند.

۲۵ خرداد ۸۷

۳. زنان کارگر مجبورند که ۵۰۰ هزار تومان به صورت سفته به عنوان شرط ادامه کار به سرمایه دار صاحب کارخانه تسلیم کنند! در این کارخانه ۵۰ زن استثمار می شوند و شرایط کار و استثمار آنان بیش از حد شاق و طاقت فرسا است. نارضایی و نفرت از کارفرما و وضعیت کار در میان زنان کارگر به شدت موج می زند، اما فشار بیکاری، گرسنگی افراد خانواده و کلیه بلایای تحمیل شده از نظام سرمایه داری این

شرایط کار کارگران زن در این کارخانه به شرح زیر است:

۱. در هر شبانه روز حداقل ۱۲ ساعت تمام کار می کنند.

۲. در سال گذشته در ازای ۱۲ ساعت کار روزانه هر ماه فقط ۱۲۰ هزار تومان دستمزد می گرفته اند. این رقم در سال جاری به ۱۶۰ هزار تومان افزایش یافته است.

خطر اخراج کارگران «ایران صدرا» جدی است

بصیرت و ابتکار عمل بیشتری را از سوی کارگران طلب می کند. به نظر ما، اعلام آمادگی کارگران برای تصرف کارخانه، تشکیل شورای کارگری ضدسرمایه داری برای تحقق این هدف، سازمان دادن یک شبکه وسیع و فعال برای برقراری ارتباط با کارگران سایر مناطق ایران و جلب حمایت آنان از مبارزه خویش کاراترین راهکاری است که می توانند و باید اتخاذ کنند.

۲۵ خرداد ۸۷

از کارگران را برای مدتی زیر پوشش بیمه بیکاری قرار دهند و از این طریق راه را برای پیشبرد مقاصد شوم خود کمی هموار سازند.

کارگران ایران صدرا در گذشته به دفعات با خطر از دست دادن کار مواجه شده اند. آنان هر بار در پرتو اتحاد و مقاومت و عزم جزم برای خنثی ساختن دسیسه های صاحبان سرمایه موفق شده اند که خطر اخراج را منتفی کنند. در شرایط موجود چنین به نظر می رسد که سرمایه داران مصمم تر از سابق در تدارک اجرای نقشه های خود هستند. به همین دلیل مقابله با تعرضات درشرف وقوع آنان نیز بیداری،

مدتی است که سرمایه داران صاحب «ایران صدرا» و دستگاه های دولتی سرمایه توطئه مشترکی را علیه کارگران این کارخانه تدارک دیده اند و برای اجرای آن نقشه چینی می کنند. بحث بر سر اخراج ۱۰۰۰ کارگر کارخانه است. عمال دولتی سرمایه و صاحبان شرکت در اجرای این دسیسه شوم ضدکارگری کاملاً متفق القول هستند. آنچه فعلاً اجرای این دسیسه شوم را به تعویق انداخته صرفاً هراس و وحشتی است که خطر اعتراض و اعتصاب کارگران در دل آنان ایجاد کرده است. مسئولان دولتی سرمایه و مالک شرکت برای کاستن فشار این خطر تلاش می کنند تا همه یا بخشی

اعتراض کارگران نانو به نازل بودن دستمزدها

حال و به موازات اعتراض و مبارزات کارگران، توطئه مشترک دولت سرمایه و کارگزارانش در انجمن صنفی خبازان هم ادامه دارد. اینان این بار اعلام کرده اند که باید بهای نان را تا ۴۰ درصد بالا ببرند. اجرای این توطئه به طور واقعی متضمن یک کاهش ۴۰ درصدی در دستمزد واقعی کل کارگران اصفهان از جمله کارگران نانو است. به این ترتیب، در شرایطی که توده های کارگر برای بالا بردن میزان مزد خود پیکار می کنند عمال

این توطئه گران شدن نان برای توده های وسیع کارگری بود که زیر فشار فقر و نداری، نان غذای اصلی آنان و خانواده شان را تشکیل می دهد. آنان بهای نان را بالا بردند، اما تا جایی که به افزایش مزد کارگران مربوط می شد مقدار این افزایش آن قدر نامحسوس و بی مقدار بود که هیچ نوع تغییری در زندگی کارگران پدید نیآورد. نتیجه این که توده کارگر نانو همچنان به سطح بسیار نازل دستمزدهایشان اعتراض دارند و خواستار افزایش آن هستند. در همین

بیش از ۶۰۰۰ کارگر نانو در حوزه های مختلف شهر اصفهان مدت ها است که به سطح نازل دستمزدهایشان اعتراض دارند و خواهان افزایش حقوق ماهانه خویش هستند. نهادهای دولتی سرمایه و کارگزاران ویژه آن ها در مراکز کار زیر نام انجمن صنفی و در این مورد مشخص انجمن صنفی نانوايان اصفهان در توطئه ای مشترک با هم تصمیم گرفتند که به بهانه تأمین هزینه افزایش حقوق کارگران، بهای نان را تا میزان ۲۰٪ افزایش دهند. محصول

در نهایت طنابی است که به گردن خود کارگران می افتد.

۲۵ خرداد ۸۷

تحت تاثیر این توهم که گویا افزایش بهای نان به افزایش دستمزد آنان می انجامد با کارفرمایان همنوایی می کنند. کارگران آگاه باید این فریب سرمایه را برای این گونه کارگران توضیح دهند و به آنان بگویند که افزایش بهای نان

دولتی سرمایه و نهادهای به اصطلاح کارگری مزدور آن ها افزایش حقوق کارگران را دقیقاً وسیله ای برای سلاخی مزدهای ناچیز کنونی آنها و کاهش بهای واقعی نیروی کارشان قرار داده اند. متأسفانه در برخی موارد خود کارگران

تشدید فشار و پیگرد پلیسی علیه کارگران ارومیه

کوره پزخانه ها به رغم تمامی این فشارها همچنان سرسختانه بر ضرورت افزایش دستمزدهای خویش پای می فشارند. زنان و کودکان کارگران هر روز با خشم و نفرت تمام نسبت به نیروهای امنیتی و پلیس سرمایه، با این نیروها درگیر می شوند. آنچه در این منطقه در طول این ۱۹ روز عملاً جریان دارد تجسم یک صحنه کارزار بسیار نابرابر میان کارگران و خانواده هایشان در یک سو و سرمایه داران و دولت آن ها در سوی دیگر است. کارگران کوره های آجرپزی ارومیه نسخه سخت نیازمند حمایت همه بخش های دیگر طبقه کارگر از مبارزات و خواسته های خویش هستند.

۲۵ خرداد ۸۷

منطقه محل سکونت خانواده های کارگران شبیخون می زنند. منطقه را در رعب و وحشت و دلهره فرو برده اند. زنان و کودکان و همه افراد خانواده را به طور مستمر مورد اذیت و آزار و فشار و تهدید قرار می دهند. عوامل سرکوب سرمایه ۲۶ نفر از کارگران را به مراکز پلیس و اطلاعات احضار کرده و با فشار و ارباب و تهدید از آنان خواسته اند که همزنجیران خویش را برای پایان دادن به اعتصاب زیر فشار قرار دهند. سرمایه داران صاحب کوره ها با مشاهده این صف بندی حمایت آمیز دستگاه های دولتی ترجیح می دهند که از قبول خواسته های کارگران سرباززنند. آخرین گزارش ها حاکی است که ۴۰۰۰ کارگر

کارگران کوره پزخانه های ارومیه همچنان در اعتصاب به سر می برند. بیش از ۴۰۰۰ کارگر حدود ۹۰ کوره تولید آجر را ۱۹ روز است که به طور کامل از کار انداخته و هر نوع تولید و حمل و نقل آجر را در این منطقه متوقف ساخته اند. کارفرمایان چند روز قبل، در مقطعی از شدت اعتراض و بیکار کارگران تصمیم به اندکی عقب نشینی گرفتند و اعلام کردند که در مورد افزایش دستمزدها با کارگران گفتگو خواهند کرد. آنان اما عملاً این کار را نکردند. دلیل انصراف کارفرمایان حمایت بی چون و چرای بسیار فعال و سبعانه ای است که نیروهای پلیس و سرکوب سرمایه از آنان می کنند. دستگاه های اعمال قهر سرمایه مدام به

مبارزه کارگران نورد و پروفیل علیه بیکارسازی ها

کارگران اخراجی با اطلاع از مراسم، خود را به مسجد می رسانند و درست در بحبوحه تشریفات خاص دینی یکی از کارگران از جای خود بلند می شود و با روحیه ای اعتراضی خطاب به سرمایه دار کارخانه فریاد می زند که آنچه در اینجا هزینه می شود حاصل کار و استثمار کارگران است. به جای این ها ما را به سرکار بازگردانید. فریاد کارگر معترض در تمامی فضای مسجد می پیچد و توسط حاضران تأیید می شود و مورد حمایت قرار می گیرد. مالک کارخانه نورد و پروفیل، عاجز از هرگونه پاسخ به کارگر معترض، پس از صرف شام با همراهانش مسجد را با عجله ترک می کند.

۲۵ خرداد ۸۷

برای خود انباشته است به روال معمول بسیاری از سرمایه داران ایران آدمی مذهبی است و مذهب را به عنوان ظرف توجه هارترین شکل استثمار و توحش علیه کارگران بسیار دوست دارد. او هر سال در ایام موسوم به فاطمیه مقداری از کوه عظیم اضافه ارزش های تولید شده توسط کارگران را صرف برگزاری مراسم دینی این روزها می کند. نانی را که در قالب سود سرمایه از شکم گرسنه انبوه کارگران و صدها هزار زن و کودک خانواده های کارگری بریده است هزینه ضیافت همتایان خون آشام خود و توشه راه « آخرت» خویش می سازد. سرمایه دار صاحب نورد و پروفیل امسال نیز این کار را انجام می دهد و مراسم ضیافت را با حضور تنی چند از نمایندگان مجلس برگزار می کند. این خبر مطابق معمول در شهر می پیچد و به گوش کارگران نیز می رسد. عده ای از

کارخانه نورد و پروفیل ساوه در سال ۱۳۸۶ شماری از کارگران را اخراج کرد. اقدام سرمایه دار صاحب کارخانه مورد خشم و اعتراض همه کارگران قرار گرفت و صاحب کارخانه زیر فشار مبارزات توده های کارگر قول داد که کارگران اخراجی را به سر کار بازگرداند. کارفرما اما به روال معمول از انجام وعده خود سرباز زد. او نه فقط کارگران اخراجی را به سر کار نیاورد که ۷۰ کارگر دیگر را نیز بیکار ساخت. مبارزه کارگران اخراجی علیه جنایت سرمایه دار صاحب کارخانه در طول این ۲ سال به طور مستمر ادامه داشته است. حادثه ایام فاطمیه در مسجد جامع شهر ساوه نیز گوشه ای از این مبارزه ممتد دو ساله است که چند روز پیش روی داد. سرمایه دار که در طول سال های متوالی از طریق استثمار سبعانه کارگران دنیایی سرمایه

چهار ماه تعویق دستمزد در پریس سنندج

همه آنان به اجرا درمی آمده است. کارفرما با بهره گیری ضدانسانی از کثرت شمار بیکاران جویای کار، رقابت حاد درون جمعیت عظیم بیکار برای یافتن ساعتی کار و فشار مرگبار گرسنگی ناشی از بیکاری برزندگی توده های کارگر، کوشیده است تا شدت استثمار و فشار

کهنه بودن ماشین آلات و دلخواه نبودن نرخ سود و تعدادی از کارگران را بیکار ساخته است. در تمامی این سال ها شمشیر اخراج ساعت به ساعت بر فراز سر کارگران چرخ می خورده و ضرب المثل معروف « از مرگ ترساندن برای به تب رضایت دادن» در مورد

کارخانه پریس سنندج ۷۰ کارگر را استثمار می کند. شمار کارگران در سال های قبل بسیاریتر از امروز بوده است. سرمایه دار صاحب کارخانه در طول چند سال اخیر به دفعات و هر بار با توسل به یکی از بهانه های بسیار آشنا از قبیل وضع بد اقتصادی کارخانه،

کار بر کارگران شاغل را به حداکثر برساند. امتناع از پرداخت دستمزدهای ماهانه یکی از اشکال جنایتکارانه این فشار بوده است. دسیسه پردازی برای اخراج کارگران معترض و آگاه تر و با تجربه تر نیز بخش دیگری از تلاش او برای فراهم سازی زمینه های تشدید هرچه بیشتر استثمار کارگران بوده است. کارگران در همین سال ها به رغم موقعیت بسیارضعیفی که در توازن قوای میان خویش و سرمایه دار صاحب کارخانه داشته اند، باز هم بارها دست به اعتراض و مبارزه زده اند. چند بار اعتصاب

کرده و در جریان هر اعتصاب چند روز چرخ کار و تولید را متوقف ساخته اند. مبارزات کارگران در تمامی دفعات با تهاجم نیروی سرکوب سرمایه مواجه شده اما مقاومت و همبستگی آنان در پاره ای موارد کارفرما را به عقب نشینی و قبول برخی مطالبات مجبور کرده است. کارگران پریس در حال حاضر ۴ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. حق سنوات آنان نیز پرداخت نشده است. علاوه بر همه این ها، کارگران به روال معمول در چهارچوب قراردادهای وحشیانه تشدید

استثمار موسوم به قراردادهای موقت کار می کنند و سرنوشت تمدید یا عدم تمدید این قراردادها نیز هیچ معلوم نیست. ۷۰ کارگر پریس به همه این دلایل و زیر فشار همه این مصائب سرمایه به سرمایه دار صاحب کارخانه اخطار کرده اند که در صورت ادامه این وضعیت دست به اعتصاب خواهند زد.

۲۴ خرداد ۸۷

کارخانه آونگان و بیکاری ۷۰۰ کارگر

آونگان اراک از جمله کارخانه هایی است که در جریان خصوصی سازی ها به دست مالکان خصوصی سرمایه افتاده است. این کارخانه ۷۰۰ کارگر را استثمار می کند اما سرمایه دار شرکت از میزان سود خویش راضی نیست. این که او هنگام خرید کارخانه چه رویای ویژه ای برای چه کارهایی در سر و چه پرواز پرشتاب آزمندانه ای برای تسخیر قله های دوردست سود درسد داشته است کسی نمی داند. اما همین قدر معلوم است که او ادامه کار کارخانه به شیوه

سابق و تحمل ارقام تا کنونی سود را باب طبع خود نمی بیند. مالک جدید کارخانه به همین دلیل از شروع سال جاری تا حال دست به کار ایجاد زمینه های لازم برای بیکارسازی تمامی ۷۰۰ کارگر کارخانه، گشایش حوزه های تازه ای برای استثمار سهمگین تر کارگران، جایگزینی کارگران کنونی با نیروی کار باز هم ارزان تر و اجرای پاره ای از این نوع نقشه ها است. سرمایه دار در همین راستا از پرداخت « مزایای شغلی » کارگران هم سرباززده است.

بدهی خویش به صندوق بیمه بیکاری را نیز پرداخت نکرده است. تهیه مواد اولیه و نیازهای ادامه روند کار کارخانه را نیز معلق ساخته است. کارگران آونگان زیر فشار این شرایط عملاً بر دار سودجویی سفاکانه سرمایه آونگ شده اند. آنان علیه این ناپسامانی دست به اعتراض زده اند و خواهان مشخص شدن وضعیت اشتغال و پرداخت مطالبات خود هستند. ۲۴ خرداد ۸۷

نجات تصادفی یک کارگر مدفون

یک شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با سازمان آب و فاضلاب شهر شیراز به خاطر صرفه جویی در هزینه های لازم ایمنی شرایط کار باعث دفن زنده یک کارگر در زیر آوار چاه شد. این کارگر با تلاش کارگران همزنجیرش در اداره آتش نشانی شیراز از مرگ حتمی رهایی یافت. هیچ کس از سرمایه

دار صاحب شرکت پیمانکاری هیچ سؤالی درمورد این ماجرا نکرد. مدیر آتش نشانی اعلام کرده که علت دفن زنده این کارگر امتناع از به کارگیری ورقه های فلزی برای شمع بندی دیوار بوده است. اما او و هیچ مرجع دیگر قدرت سرمایه هیچ کلامی نمی گویند که چرا باید سرمایه داران در جریان صرفه جویی این

نوع هزینه ها با هدف حصول سودهای هر چه کلان تر هر روز ده ها کارگر را زیر نام سانه حین کار به قتل برسانند یا دچار آسیب کنند؟

۲۴ خرداد ۸۷

قتل کارگر ساختمانی توسط سرمایه

یک کارگر ساختمانی در حین کار و استثمار توسط سرمایه قربانی سودجویی های جنایتکارانه سرمایه دار شد و جان خویش را از دست داد. این کارگر توسط یک شرکت ساختمانی در شهر قزوین استثمار می شد. محیط کار او فاقد هر نوع امکانات ایمنی بود و

سرمایه دار صاحب شرکت مانند کلیه همتایان استثمارگر و خونخوارش بر این عقیده است که باید هزینه لازم برای ایمنی شرایط کار را به کوه سودهای خود اضافه کند. کارگر مقتول بر اثر این جنایت کارفرما هنگام ریزش بالکن یک

ساختمان در خیابان بلوار شمالی شهر قزوین به زمین سقوط کرد.

۲۴ خرداد ۸۷

تظاهرات بزرگ کارگران بلژیک علیه تنزل امکانات زندگی

سیر تصاعدی بی مهار بهای ارزاق عمومی دستمزدهای واقعی کارگران را در سراسر جهان به شدت و به گونه ای رقت بار دچار کاهش ساخته است. میزان گرانی نیازهای اولیه زندگی کارگران در همه ممالک و از جمله

در تمامی کشورهای اروپایی بسیار بیشتر از افلامی است که به صورت رسمی توسط سازمان ها و مراجع سنجش سرمایه اعلام می شود. فشار تعیین کننده این گرانی ها سطح معیشت ده ها میلیون کارگر را به طور جدی

دستخوش تنزل کرده و در همین راستا موج عظیمی از اعتراض و ناراضی را در میان کارگران دنیا دامن زده است. کارگران بلژیک نیز به همین دلیل و در اعتراض به فشار سهمگین گرانی ها بر کاهش مستمر، فزاینده و

رئیس جمهوری امریکا اخیراً در جریان یک یلوه بافی بسیار بی نظیر یا حداقل کم نظیر، در باره علل گرانی های روز، با وقاحتی باور نکردنی اعلام کرده که دلیل واقعی این امر در بهبود وضع اقتصادی کشورهای چین و هند و بالا رفتن قدرت خرید کارگران این دو کشور نهفته است!!

ژوئن ۲۰۰۸

و آن تریبون جارمی زنند، اما یک کلام نمی گویند که بالاخره سرچشمه واقعی همه این حوادث در کجا قرار دارد. آنان همه چیز به هم می بافند تا ریشه اصلی گرانی را که در عمق رابطه تولید سود قرار دارد، از انظار کنجکاو کارگران دور نگه دارند. در میان عمال جانی و بشرکش سرمایه برخی که صدرنشین توحش و درندگی این نظام هستند در توضیح دلیل گرانی نیازهای زندگی مردم دنیا نیز پیشکسوتی توحش را برای خود محفوظ می دارند. جرج بوش

مهلک دستمزدهای واقعی خود دست به اعتراض زده اند. آنان با سازمان دادن یک راه پیمایی بزرگ ۵۰۰۰ نفری در خیابان های شهر بروکسل خواستار توقف فوری این روند و تنزل مجدد بهای ارزاق شدند. سرمایه داران و دولت آن ها در باره این گرانی ها دنیایی عوام فریبی، دروغ و وارونه پردازی به کارگران تحویل می دهند. از گرانی بهای نفت در بازار جهانی تا سوخت محصولات کشاورزی برای تولید اتانول و نوع این دلایل وارونه را همه جا در پشت این

اعتصاب رانندگان کامیون در انگلیس

معنای دوم حرف او که در موقعیت کنونی محتمل تر است به میدان کشیدن ارتش انگلیس به عنوان یک نیروی ضد کارگر اعتصاب شکن است. رانندگان کامیون ها و کارگران شبکه توزیع مواد سوختی به رغم این تهدید اعلام کرده اند که مبارزاتشان را تا حصول کامل خواسته هایشان ادامه خواهند داد.

ژوئن ۲۰۰۸

مطالبات کارگران و افزایش دستمزد آنان مقصر واقعی رخدادهای می دانند و خواستار عقب نشینی اینان در برابر کارگران راننده هستند. در این میان گودرون براون، نخست وزیر انگلیس، در دفاع از صاحبان سرمایه هشدار داده است که برای غلبه بر موج مبارزات کارگران از ارتش کمک خواهد گرفت. سخن براون دو معنی دارد که هر یکی از دیگری جنایتکارانه تر و بربرمنشانه تر است. معنای اول این است که از ارتش برای سرکوب اعتصاب استفاده خواهد کرد، کاری که همه دولت های سرمایه داری دنیا به محض احساس خطر انجام می دهند.

رانندگان کامیون های حمل مواد سوختی در انگلیس در اعتراض به سطح نازل دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. آخرین دور مذاکرات میان کارگران و کارفرمایان به شکست انجامید و در پی این شکست کارگران اعلام کردند که برای ۴ روز تمام دست از کار خواهند کشید. علاوه بر رانندگان، کارگران مراکز توزیع بنزین و مواد سوختی نیز در اعتصاب شرکت دارند. شروع اعتصاب نظم معمول سرمایه را دچار اختلال جدی کرده است. توده های کارگر انگلیس، شرکت شل و صاحبان سرمایه را به دلیل امتناع از قبول

اعتصاب رانندگان کره جنوبی و اختلال سیستم حمل و نقل سرمایه

مبارزات کارگران استفاده خواهد کرد. کارگران راننده کامیون در کره جنوبی به رغم همه این فشارها و توطئه های سرمایه داران و دولت آن ها، بسیار استوار به اعتصاب خویش ادامه می دهند. آنان اعلام کرده اند که تا قبول کامل خواسته هایشان توسط دولت دست از مبارزه و اعتصاب برنخواهند داشت.

ژوئن ۲۰۰۸

این وضعیت پلیس ضد شورش و سایر قوای سرکوب را در همه مراکز حساس به حالت آماده باش در آورده است. رانندگان را به تحمل مجازات بسیار سنگین در صورت ادامه اعتصاب تهدید کرده، افزایش ظرفیت شبکه حمل و نقل ریلی را به عنوان یک اهرم مقابله در دستور کار قرار داده و به پاره ای اقدامات دیگر برای سرکوب اعتصاب متوسل شده است. دولت در همان حال تهدید کرده که از ارتش به عنوان یک نیروی وسیع اعتصاب شکن علیه

بیش از ۵۰۰۰ کارگر راننده در کره جنوبی دست به اعتصاب زده اند. علت اعتصاب افزایش بهای مواد سوختی و فقدان تضمین لازم در مورد حداقل مزدهای کارگران در سیستم حمل و نقل است. اعتصاب شبکه حمل کالا و مصالح مورد نیاز کارخانه ها، محموله های بازار و کل فرایند سرمایه را دچار اختلال کرده است. بنابر به حالت تعطیل در آمده و وضعیت بخش وسیعی از جامعه کاملاً غیرعادی است. دولت سرمایه داری کره جنوبی برای مقابله با

عقب نشینی دولت اسپانیا در مقابل موج مبارزات کارگران

شد و دولت اسپانیا در مقابل مطالبات کارگران سر تسلیم فرود آورد.

ژوئن ۲۰۰۸

مواد اولیه و مصالح تولید قرار داد. شمار زیادی از فروشگاه های مهم را در شهرهای مختلف به سرحد تعطیل کشاند. موج ناراضی عمومی از سرمایه داران و دولت آن ها را دامن زد. اعتصاب، با توجه به این تأثیرات، پیروز

اعتصاب رانندگان کامیون در اسپانیا در طول روزهای گذشته دولت سرمایه داری این کشور را مجبور به عقب نشینی کرد. اعتصاب، شبکه حمل و نقل کالاها را سخت مختل ساخت. کارخانه ها و مراکز تولید را در خطر کمبود

افزایش بهای سوخت و اخراج کارگران

باید مشغله فکری لحظه به لحظه هر کارگری در دنیا باشد. به نظر ما، این پاسخ روشن است. هیچ جنایتی قابل تحمل نیست. نظام سرمایه داری در بنبند وجودش حامل هولناک ترین جنایت ها است. تحمل این نظام از سوی طبقه کارگر بین المللی ناشی از فاجعه توازن قوا به زیان این طبقه و به سود نظام سرمایه داری است. برای این که به تحمل این جنایات پایان داده شود باید قدرت پیکار علیه سرمایه و برای نابودی سرمایه داری را سازمان داد و وارد میدان ساخت. این قدرت را کارگران دنیا دارند، اما باید آن را سازمان دهند و علیه سرمایه به کارگیرند.

ژوئن ۲۰۰۸

تاراج برده اند به سود سرمایه های خود اضافه کرده یا حداقل معادل آن از کاهش سود خویش جلوگیری نموده اند. صاحبان سرمایه و دولت آن ها درست به موازات اعمال این جنایت فوج کارگران را باز هم به بهانه گرانی ها و به طور مثال گرانی بهای مواد سوختی بیکار می سازند. در طول این چند هفته فقط در بخش صنایع هواپیمایی جمعیت کثیری از کارگران را به همین دلیل بی اساس که گفتیم اخراج کرده اند. سه شرکت هواپیمایی « امریکن ایرلاینز»، « یونایتد » و « کانتینانتال ایرلاینز» هر کدام به کار شمار زیادی از کارگران خویش پایان دادند. این روند همچنان ادامه دارد و اکنون شرکت « یو اس ایرویز» اعلام کرده است که ۱۷۰۰ کارگر را بیکار می سازد. جنایات نظام سرمایه داری تا کجا می تواند برای کارگران قابل تحمل باشد؟ این سؤالی است که پاسخ آن

هر ضربه ای که هرکجا به جریان سودآوری سرمایه وارد گردد شمار کثیری کارگر بدون هیچ فوت وقت قربانی می شوند. چند میلیارد جمعیت کارگر روی زمین درست در همان لحظاتی که کل سرمایه موجود جهان را باز تولید می کنند به وصف ناپذیرترین و موحش ترین و جنایتکارانه شکلی توسط همین سرمایه محصول کار خویش سلاخی می شوند، از هستی ساقط می گردند، میلیون میلیون بیکار می شوند و به برهوت گرسنگی پرتاب می گردند، در شعله های آتش جنگ سرمایه خاکستر می گردند و به همه بلایای دیگر دچار می شوند. به حوادث همین چند هفته با چند ماه اخیر دنیا نگاه کنیم. سرمایه داران و دولت آن ها با افزایش سرسام آور بهای نیازهای زندگی چیزی حدود ۲۰ تا ۳۰٪ دستمزدهای واقعی کارگران را تنزل داده اند. آنان آنچه را در این گذر از کارگران به

سه میلیون کودک یمنی و کلمبیائی در بازار کار سرمایه

نه چند برابر اما به طور قطع بسیار بیشتر از این است. سازمان جهانی کار تعداد کودکان خردسال شاغل در شرایط رقت بار استثمار سرمایه داری در سراسر دنیا را ۲۵۰ میلیون نفر اعلام کرده، اما همه می دانند که این رقم جزء اندکی از شمار واقعی کودکان کار در دنیا است.

ژوئن ۲۰۰۸

دهد. این کودکان به مدرسه نمی روند، زیرا باید هر روز بیش از ۱۰ ساعت کار کنند. بر اساس قانون اساسی سرمایه اینان فقط به این خاطر به دنیا آمده اند که برده مزدی سرمایه باشند و دنیای سود صاحبان سرمایه را تولید کنند. سه میلیون رقیمی است که در گزارشات دولتی و بین المللی سرمایه در باره شمار این بردگان مزدی خردسال آمده است. رقم واقعی کدام است؟ معلوم نیست. اما دولت ها و مراجع سرمایه همیشه و همه جا نشان داده اند که در بیان این ارقام بسیار دروغ می گویند. شمار واقعی اگر

سه میلیون کودک کلمبیائی و یمنی در شاق ترین و دردناک ترین شرایط کاری برای صاحبان سرمایه کار می کنند. این کودکان هر کدام نان آور تعدادی انسان هستند و باید با کار شاق شبانه روزی خویش در مزارع، کارگاه های نمور و بیماری زا و یا در خانه های اربابان اولاً کیسه سرمایه داران خونخوار را از سود پر کنند و سپس آن قدر خود را بفروشانند و نابود سازند تا بازمانده این حجم سود که تحت نام دستمزد به خودشان داده می شود برای رفع گرسنگی مادر و پدر و خواهر و برادر کفاف

کشتار کارگران در انفجار معدن در چین

آن وقوع نوع این حوادث جان جمعیت زیادی از کارگران چینی را نگیرد.

ژوئن ۲۰۰۸

کار شبه رایگان چند صد میلیون کارگر، این نقش را برای همه سرمایه های بزرگ جهان ایفا می کند. ریزش و انفجار معدن و قربانی شدن شمار کثیر کارگران در عمق این معادن هم از جمله عوارض این بهشت سرمایه برای توده کارگر چین است. هیچ ماهی نیست که در

۴۳ کارگر چینی در جریان انفجار یک معدن در چین دچار سرنوشتی نامعلوم شده اند. انفجار در روز جمعه ۱۲ ژوئن رخ داده و تا لحظه حاضر هیچ گزارشی از سرنوشت کارگران منتشر نشده است. کشور چین بهشت سرمایه ها و سرمایه داران دنیا است. چین به یمن نیروی

گزارشی از کارخانه ریسندگی خاور

به شرکت آتیه دماوند واگذار شد و اخیراً فردی به نام دکتر برق لامع - مالک کارخانه های تولید حوله برق لامع - مالک آن شده است. البته وی ادعا می کند که کارخانه را اجاره کرده است. کارخانه یازده میلیارد تومان بدهکار است و مالک آن به این بهانه از پرداخت حقوق

با دخالت و سرکوب نیروهای انتظامی و اطلاعاتی رو به رو شد.

در ریسندگی خاور ۴۰۰ کارگر استثمار می شوند که بیشتر آن ها زن هستند. کارگران حدود ۱۵ ماه حقوق معوقه طلبکار هستند. کارخانه قبلاً متعلق به وزارت صنایع و معادن بود. مدتی

ریسندگی خاور در جاده رشت - فومن قرار دارد. حدود ۵۰ تن از کارگران مرد کارخانه در تاریخ یکشنبه ۸۷/۳/۱۹ برای سومین بار در سال ۸۷ جاده رشت - فومن را در سه راهی خاور بستند و لاستیک آتش زدند. اقدام کارگران

بازنشسته شده لیکن هنوز سنوات و حقوق
بازنشستگی خود را دریافت نکرده اند.

۲۴ خرداد ۸۷

در این کارخانه از مرغوب ترین نخ ها بود و
مورد استفاده کارخانه های بافندگی مانند
فومنتا قرار می گرفت. عده ای از کارگران

معوقه کارگران سرباز می زند. چابکی،
استاندار گیلان، به کارگران قول داده بود که
مشکلاتشان را حل کند، اما تاکنون کوچک ترین
کاری برای کارگران نکرده است. نخ تولید شده

گزارشی از کارخانه بافندگی فومنتا

سرنوشت کارگران این کارخانه نیز در حال
تبدیل شدن به سرنوشت کارگران فرش گیلان و
پوشش و به طور کلی سرنوشت تمام کارگران
کارخانه های تعطیل و در معرض تعطیل است.
این مشکل سراسری طبقه کارگر ایران نیز،
چنان که ما بارها گفته ایم، فقط یک راه حل
دارد و آن تصرف کارخانه توسط کارگران و
اداره آن به صورت شورایی ضمن واداشتن
دولت به تأمین مواد اولیه و دیگر نیازهای تولید
است. بدیهی است که این اقدام فقط با قدرت
متحد و متشکل همه کارگران این کارخانه ها و
حمایت مؤثر بخش های دیگر طبقه کارگر
تضمین می شود.

۲۴ خرداد ۸۷

ها را فروخت. درمورد دستگاه های سالن تولید،
مدیرعامل تصمیم دارد آن ها را به شهر صنعتی
رشت منتقل و کارخانه را در ابعادی کوچک تر
فعال کند. او همچنین می خواهد تمام زمین های
کارخانه را برای ساختن مجتمع های مسکونی
به کارگیرد. کارگران حدود ۳۶ ماه دریافت بیمه
بیکاری دارند و با توجه به قانون بیمه بیکاری
ایام این دریافت در حال اتمام است. آن ها
خواستار بازگشت به کار و روشن شدن
تکلیفشان هستند. کارخانه فعلا تحت نگهداری ۱۲
نفر قرار دارد که با قرارداد موقت به کار
گمارده شده اند. کارگران ۷ نماینده دارند که
مطالبات آن ها را پیگیری می کنند. در این میان،
مدیرعامل سعی می کند با طرح ورشکستگی
کارخانه و تعدیل نیرو و انتقال کارخانه به شهر
صنعتی از زیر بار تعهداتش به کارگران شانه
خالی کند.

بافندگی فومنتا در جوار کارخانه خاور در
جاده رشت - فومن قرار دارد. این کارخانه
وابسته به وزارت صنایع و معادن است.
در تاریخ ۸۴/۴/۱ تعداد ۳۳۰ نفر از کارگران
به بهانه ورشکستگی ناشی از بحران برف
زمستان ۸۳ برای دریافت بیمه بیکاری به اداره
کار معرفی شدند.

کارخانه دارای ۱۸ هکتار زمین بایر و ۴
هکتار شالیزار است. در سالن تولید، حدود ۴۲۰
دستگاه ریسندگی، یک دستگاه چاپ، یک
دستگاه خشک کن، سه دستگاه دولاتاب وجود
دارد که همه آلمانی و قابل کارکردن هستند. نخ
کارخانه در داخل تأمین می شد و دارای کیفیت
خوب بود. قبلا کارخانه دارای دو دستگاه
اتوبوس بنز ۲۰۲، دو دستگاه کامیون خاور و
سه دستگاه پیکان شخصی بود که مدیرعامل آن

تصویب ساعات کار در اتحادیه اروپا در غیاب طبقه کارگر

بخش بیشتری از ارزش اضافی ای که خود
تولید می کند، ساعات کار را به زیر ۳۵ ساعت
نیز برساند. در این صورت، میلیون ها کارگری
که امید به یافتن کار را بیش از بیش از دست
می دهند شانس بالا برای اشتغال به کار پیدا
می کردند و توان مبارزاتی طبقه کارگر نیز بالا
می رفت. طبقه کارگر اکنون فاقد این رزمندگی
و قدرت است. بر بستر بی قدرتی و رخوت حاکم
بر جنبش جهانی طبقه کارگر است که این
ساعات کار تصویب می شود، ساعات کاری که
تنها ابزار دست سرمایه داران برای دمیدن در
تنور رقابت بین کارگران، کاهش سطح
دستمزدها، پایین آوردن استاندارد زندگی طبقه
کارگر و عمومیت یافتن بیشتر فقر و فلاکت در
جامعه است.

ژوئن ۲۰۰۸

ساعت کار می کند نمی تواند نیروی از دست
داده را باز تولید کند و اوقات فراغتی هم ندارد
که بتواند صرف ارتقای فرهنگی و بالابردن
کیفیت توانایی های خود و استاندارد زندگی اش
کند، یا با خانواده و دوستان معاشرت کند و از
زندگی لذت ببرد.

فرض بر این بود که در همین نظام سرمایه
داری با بهبود تکنیک و بهره وری کار، بهره
بردن از زندگی نیز همزمان بهبود یابد؛ ساعات
کار به خاطر افزایش بهره وری و بازده
کار کاهش یابد و به تبع آن ساعات فراغت
افزایش یابد. این خواستی عقلانی بود، اما نیاز
به یک پیش شرط داشت و آن بالاتر و یا حداقل
متوازن بودن کفه قدرت کارگری در مبارزه
طبقه ای بود. طبقه کارگر رزمنده و قدرتمند می
توانست با توجه به ضریب باروری که نسبت به
قبل و حتی نسبت به یک دهه پیش
بسیار چشمگیر است، همزمان با به دست آوردن

وزرای کار ۲۷ کشور اتحادیه اروپا روز سه
شنبه ۱۱ ژوئن در لوکزامبورگ دور هم جمع
شدند تا درمورد ساعات کار صدها میلیون
کارگر کشورهای اتحادیه اروپا تصمیم بگیرند.
در این تصمیم گیری نه تنها کارگران بلکه حتی
نمایندگان اتحادیه هایی نیز که از طرف این
کشورها به عنوان شریک تعرفه کاری و مزدی
و نمایندگان قانونی کارگران شناخته می شوند،
حضور نداشتند. آن ها روی متوسط ۴۸ ساعت
کار هفتگی توافق کردند و ساعات اضافه تر از
آن را تا ۶۰ و در موارد استثنایی و با توافق تا
۶۵ ساعت در هفته تصویب نمودند. تصور آن
ها از کارگر نه انسان معمولی بلکه آدم آهنی ای
است که بدون فرسایش و بدون خستگی و بدون
نیاز به بازتولید خود فقط باید تا آخرین رمق کار
کند. ۶۵ ساعت کار هفتگی برابر است با ۱۳
ساعت کار روزانه با احتساب ۵ روز کار یا
بیش از ۱۰ ساعت کار روزانه با احتساب ۶
روز کار هفتگی. مسلمان کارگری که روزی ۱۳

منشور مطالبات پایه‌ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. تاکید بر پایه ای بودن مطالبات در این منشور از آن رو ضروری است که اولاً کارگران ایران در اوضاع کنونی حتی از پایه ای ترین حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان محرومند و، ثانیاً و مهم تر از آن، لازمه ارتقای مبارزات پراکنده کارگران به سطح یک مبارزه سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل سرمایه در شرایط کنونی است- نه طرح مطالبات این یا آن بخش از کارگران بلکه طرح مطالبات کل طبقه کارگر در عمومی ترین و پایه ای ترین بیان آن است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح هرگونه مطالبه اعم از پایه ای و غیرپایه ای به معنای آن است که کارگران از سرمایه داران طلبکارند. طلب کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران کرده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود درواقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از :

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه هر کارگر در شرایط کنونی باید ۶۰۰ هزار تومان باشد.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از حقوق ثابتی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان در ماه برخوردار باشند.
- ۳- کارخانگی باید از میان بروداما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۵- هر نوع قرارداد استخدام موقت الغاء باید گردد.
- ۶- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۷- مسکن مناسب با آب، برق، امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر کارگری است. تحقق این امر در گرو آن است که: - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن کارگران استفاده شود. - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای کارگران اختصاص دهد.
- ۸- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۹- آموزش و پرورش در تمامی سطوح باید رایگان شود.
- ۱۰- ایاب و ذهاب در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۱- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۲- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۳- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل الغاء گردد.
- ۱۴- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید :

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

- زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
- هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع گردد.
- تشکیل خانواده یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
- هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- ۱۵- ایجاد هرگونه تشکل کارگری از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۳۸۷/۲/۱

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

بازدید کنید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر

ارسال کنید:

hamaahangi@gmail.com

خبرنامه کمیته هماهنگی راه دست کارگران هر چه

بیشتری برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

hamaahangi@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.